

Organization

Pars

Overthrow  
Committee

بهمن ماه ۳۷۴۵ جمشیدی  
فوریه ۲۰۰۸



گانه نامه

1€

سازمان

پارسی

شورای براندازی

شماره ۶۲  
سال دهم

سال مرگ حکومت اسلامی فرا رسیده است





**حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز دست خواهیم یافت.**

## سال مرگ حکومت اسلامی فرا رسیده است



همزمان با سالگرد انقلاب و درست بعد از حدود سی سال، که یک حکومت مذهبی، فاشیستی، دزد و قاتل از بطن آن بیرون آمد، نه تنها شعارهای به اصطلاح انقلاب را که عدالت، آزادی و استقلال بود زیر پا نهاد، بلکه آزادی های اولیه مردم را نیز که در اعلامیه

جهانی حقوق بشر بر آن تأکید شده است، از همگان سلب کرد و یک مافیای قدرت طلب و غارتگر با بهره جوئی از ابزار تحت کنترل خود مانند بسیج و حزب الله و برخی از فرماندهان سپاه، ملت ایران را در فضائی آکنده از ترس و اختناق و دیکتاتوری فرو برد و کشوری را که به سبب موقعیتهای استراتژیک و ژئوپولیتیک به سرعت می رفت تا خود را از دایره کشورهای در حال توسعه بیرون کند و به کشوری پیشرفته و مترقی تبدیل کند، و ثبات و امنیت و صلح را تحکیم بخشد، مملکتی ورشکسته، عقب مانده و بی ثبات، با مردمی درمانده که از همه مواهب آزادی و دموکراسی محروم شده اند پدید آورد، حکومتی تروریستی که در سالهای اخیر با حمایت از تروریسم بین المللی و کمک های هنگفت مالی به سازمانها و گروههای تروریستی و مخالف روند صلح، خاورمیانه را به خطر انداخته است.

مردم ایران دریافته اند که یک نظام توتالیتر، فاشیستی، دزد و قاتل به هیچ وجه اصلاح پذیر نیست. به این ترتیب حرکت و جنبش آزادی خواهانه مردم ایران در جهت دگرگونی ریشه ای، مسیر خود را تغییر داده و براندازی حکومت جبار اسلامی را یگانه

## فهرست

- ۱ سال مرگ حکومت اسلامی فرا رسیده است
- ۳ بعد از براندازی ما را چه خواهد بود؟
- ۴ جمهوری اسلامی یک رژیم بربر و جنایتکار است
- ۵ بحران گاز و کمبود نان و خودسازماندهی اجتماعی!
- ۹ انتخابات حکومتی را به ضد انتخابات تبدیل می کنیم
- ۱۱ براندازی نظام اسلامی (۲)
- ۱۴ تحریم نمایش انتخابات (سازمان زنان مبارز ایرانزمین)
- ۱۵ مرگ بر انقلاب اسلامی، سلام بر آزادی
- ۱۶ تحریم انتصابات حکومتی (حزب سوسیال ناسیونالیست ایران)
- ۱۷ سناریوی اصلاح طلبی و اقتدارگرایی
- ۱۸ تحریم انتخابات توسط دانشجویان مبارز ایرانزمین
- ۱۹ انتخابات در مزرعه حیوانات ولایت مطلقه
- ۲۳ یادروز جهانی هولوکاست
- ۲۵ جنایت پشت جنایت در سایه سنگین سرنگونی
- ۲۶ انداختن رأی به صندوق های متعفن جمهوری اسلامی
- ۲۸ این رژیم را باید سرنگون کرد

ورنه کز فریدون و جم نامی ماند

کاهه ای باید تا خونین درفش بر فرزند

را دارند ولی از حق تشکیل احزاب و گروههای سیاسی - اجتماعی مستقل، یا آزادی قلم، بیان و حتی گزینش کسانی خارج از دایره حکومت کنونی محروم اند. آنها طی سالهای اخیر خودشان را قیّم و ولی مردم می دانستند و تنها خودشان را شایسته اداره امور مردم می انگارند و بارها نیز دم از حکومت اسلامی و نه جمهوری اسلامی زده اند، با این خیال خام و باطل که می توانند به کشتار مردم ادامه دهند و یا یک حکومت مذهبی بنیادگرا و تروریستی غیرانتخابی بوجود آورند. این خواب خوش اقتدارگران و اصلاح طلبان یعنی در کل حکومت پلید اسلامی، هرگز به حقیقت تعبیر نخواهد شد و سازمان پارس و شورای براندازی با همراهی و همبستگی میهن پرستان داخل ایران، آزادی و حاکمیت ملی را مستقر خواهند نمود.

و اما، چه پیش خواهد آمد؟ سال پایان عمر حکومت اسلامی چگونه خواهد بود؟

گرچه ناظران بین المللی هنوز پاسخی برای این پرسش ها پیدا نکرده اند ولی ما با صراحت می گوئیم که عمر حکومت اسلامی به پایان رسیده است و سرنوشت ملت ایران را روز قیام ملی که در آن تمام مردم با هر عقیده و اندیشه سیاسی به خیابانها خواهند ریخت، رقم خواهد زد.

در روز قیام ملی، ارتش زخم خورده ایران، افسران و درجه داران که سالهای سال مورد تحقیر حکومتگران، قرار گرفته اند همراه با اکثریت قاطع سپاه پاسداران و حتی بسیجی ها که حکومت مدعی است که آنان از نظام کنونی حمایت می کنند، به حمایت از مردم بپا خواهند خاست و ضمن پشتیبانی از قیام ملی، حکومت کنونی را سرنگون خواهند کرد.

بدون شک بسیاری از کسانی که در حکومت کنونی دستهایشان به خون مردم آلوده نشده به صفوف بهم فشرده مردم خواهند پیوست و در کنار ملت قرار خواهند گرفت.

این آخرین سالگرد فاجعه بهمن ۵۷ است و ملت ایران با حرکت و جنبش آزادی خواهانه خود، با همت شیر زنان، آزادمردان، جوانان و دانشجویان، کارگران، کشاورزان، کارمندان خصوصاً نیروهای مسلح، براندازی حکومت اسلامی و آزادسازی ایران را تحقق خواهد بخشید. روز قیام ملی نزدیک است.

جاوید ایران

دکتر آرمان نوری

بهمن ماه ۳۷۴۵ جمشیدی

راه رسیدن به دموکراسی یافته اند. اکثریت قاطع مردم آزادی خواه ایران در جهت استقرار نظامی دلخواه، لائیک و دموکراتیک که با فرهنگ و سنت های دیرپای ایرانزمین همخوانی داشته باشد همبستگی دارند. مردم ایران خواهان نظامی، بیرون از حکومت جبار اسلامی ضد ایران و ایرانی می باشند.

مردم ایران خواهان نظام دموکراتیکی هستند که بتواند رأی مردم را در فضائی دموکراتیک و به دور از هرگونه ترس و وحشت و سرکوب، مبنای تشکیل دولت و پارلمان و کارگزاران حکومت قرار دهد.

به پایان عمر پلید اصلاح طلبان و اصولگرایان یعنی در مجموع حکومت جبار و مزور اسلامی در ایران رسیده ایم و مردم ایران پس از براندازی به سوی تشکیل حکومتی ملی و لائیک پیش خواهند رفت. هم اکنون احساسات ملی گرائی، عدالتخواهانه، حق طلبانه و میهن پرستانه در همه جای کشور ما بخوبی مشاهده می شود.

در سالروز به اصطلاح انقلاب اسلامی، اکثر مردم ایران بخاطر فریب بزرگی که از مشتی روضه خوان و اهل عمامه و همچنین عده ای به اصطلاح روشنفکر خورده اند لباس سیاه بر تن کرده و در جو پر از رعب و وحشت و سرکوب، دست به راهپیمائی های آرام می زنند و در عین خاموشی، خشم و اعتراض و نفرت خود را از حاکمان قدرت طلب و انحصارگر کنونی ابراز می دارند و به آخوندهائی که در جریان فاجعه ۵۷ با توسل به حيله و نیرنگ اهرم های قدرت را بدست گرفته اند و همچنان برای باقی ماندن بر سر قدرت اصرار می ورزند، هشدار می دهند که تا خشم مردم به نقطه اوج خود نرسیده است و یا قیامی خونین پدید نیامده بهتر است تسلیم خواست مردم شوند و حق حاکمیت را به مردم بسپارند و بیش از این لجاجت و سرسختی نشان ندهند، چرا که سیل عظیم مردم خشمگین و بجان آمده تار و پود آنها را در هم خواهد کوبید و نسل متحجران را از ایران برخواهند کند.

مردم در سالهای اخیر با تحمل، صبر و شکیبائی سعی نمودند تا حاکمان کنونی را از راههای مسالمت آمیز و با پرهیز از هرگونه خشونت، وادار به سپردن حق تعیین سرنوشت و نوع حکومت به آنها نمایند ولی با گذشت نزدیک به سه دهه، کاسه صبرشان لبریز شده است.

حکومتگران کنونی، تلاش می کنند تا اکثریت مردم را از حق مشارکت در تعیین سرنوشت خود محروم نمایند، بدین معنی که اکثریت مردم حق رأی دادن به کاندیداهای از صافی گذشته

## بعد از براندازی ما را چه خواهد بود؟



آن روز که صدها هزار زن و مرد از لایه های گوناگون مردم در تظاهراتی گسترده و بی سابقه، شهرهای کشورمان را پوشانده بود، در پیشاپیش مردم چهره های شناخته شده ای از تحصیلکردگان، هنرمندان، آزادی خواهان و سایر طبقات که با

فضای باز سیاسی داده شده، قدرت ابراز وجود پیدا کرده و تازیانه های خفقان سیاسی بالای سرشان نبود، همه و همه ندا بر علیه رژیم اتوریته حاکم بلند کرده و نابودی رژیم را آرزو داشتند، آرزوی مشترک همه یک چیز بود و می دانستند چه می خواهند ولی آنچه نمی دانستند این بود که چه رژیمی می خواهند که برایشان آزادی بیاورد. برنامه ای از پیش تنظیم شده وجود نداشت و آمل مردم به بیراهه کشیده شد، گو اینکه عالیجنابانی هستند که هنوز جنبش مردم را فتنه و آشوب می خوانند و روزشماری می کنند که با انشاءالله Air Line به کشور بازگردند.

یادآوری می شود آن روز که صدها هزار مردم زجرکشیده و عاصی که جانشان از جانان کلیسا و همکار دربارش به ستوه آمده بود عروس شهرهای جهان، پاریس را به صحنه تئاتر ستمدیدگان تبدیل کرده بودند که ویکتور هوگو بینوایش خواند. پادشاه با خوش باوری در چهار دیواری کاخ، بی خبر از آنچه در خیابان ها و کوچه ها می گذرد با چاپلوسان به مشورت نشسته بود. روزی که فریادها بلند شد و از پنجره کاخ با عظمت و رسای به گوشش رسید (آن روز هلی کوپتر نبود که همه شهر را ببینند) وزیر کشور را احضار کرد و گفت این شورش مردم برای چیست؟ وزیر کشور پاسخ داد اعلیحضرت شورش نیست، انقلاب است. پادشاه ما هم برخلاف استدعای ارتش و دورانديشان، با رفتن خود طومار شاهنشاهی را در هم پیچید. ارتش و گردانندگان اصرار کردند استعفاء دهد تا ولیعهد با شورای سلطنت کشور را نجات دهند ولی تا آخرین لحظات عمر حاضر به استعفاء نشد و در آن ایام سرنوشت ساز، باسوادان بی سواد ما هم سر به آسمان در ماه، عکس ناجی خود را می دیدند و مردم ناآگاه به دنبال آنان چشم بسته به انحراف کشیده شدند و آنگاه بیدار شدند که توضیح المسائل و ولایت فقیه، قیم مردم گردیده بود و رژیم انکیزیسیون (تفتیش عقاید) قرون وسطی کلیسای کاتولیک پس از قرن ها در سرزمین اهورایی ما مسدود گردید و چنین شد که می سوزیم و می بینیم و خدایی را که باورمندان در مساجد می یافتند بیرونش کردند و مساجدی بی خدا درست کردند. اما دنیای امپریالیسم جهانی که منافع خود را هر روز

بیشتر از وجود این رژیم بدست می آورد، راضی است و به پایداری رژیم مذهبی با نیرنگ های سیاسی کمک می کند. همان دست هایی که استالین را برای نابودی کمونیست تقویت کرد و برای نابودی افکار ناسیونالیستی و نژادپرستانه، هیتلر را علم نمود، برای به لجن کشیدن اسلام، خمینی را تا ماه بالا بردند و بر ایران مسلط کردند، اما چون نه دیروز نه امروز نه فرد ظلم و ستم دیده، پایدار نخواهد بود و رژیم های خودکامه از هر نوعش، یکی پس از دیگری ورپزیده و در آینده هم چنین خواهد شد و ور می برند، لذا این بار پس از براندازی رژیم مذهبی باید بدانیم چه می خواهیم و تنها سلاحی که در اختیار مخالفین این رژیم می باشد سلاح دمکراسی و آزادی است که با برقراری رژیم مردم سالاری باید به دست آورد.

۲۱ سال قبل در روز ۱۶ اوت ۱۹۸۷ مصاحبه ای که من با صدای آمریکا به عمل آوردم در برابر پرسش شادروان پرویز نقیبی که رژیم آینده را سؤال کرد پاسخ من این بود که باید مردم ایران سرنوشت خود را در آینده تعیین نمایند. البته در آن روزها هر گروهی از اپوزیسیون نوع رژیمی را برای خود تجسم کرده بود ولی امروز می بینیم که همه می گویند مردم باید تعیین کننده رژیم آینده باشند. در یک همه پرسی دو انتخاب بیشتر نیست: جمهوری مشروطه یا پادشاهی مشروطه.

**اگر جمهوری باشد، باید جمهوری پارلمانی را انتخاب کرد** یعنی با انتخاب رئیس جمهور حزب اکثریت با استفاده از همه پتانسیل اجتماع و متخصصین کشور دولت را در دست بگیرند که نخست وزیر و وزرا در برابر مجلس مسئولیت داشته باشند (تا حدودی شبیه سیستم فرانسه) نه اینکه دولتی جدا از ریاست جمهور وجود نداشته باشد و رئیس جمهور مسئول کلیه امور بوده وزراء را انتخاب کند و در برابر هر مورد تصمیم بگیرد و نمایندگان ملت هیچ قدرتی در کنترل اعمال او نداشته باشند و اگر هم مجلس نظراتی بدهد رئیس جمهور مجبور به اجرای آن نباشد و حتی در جنگهای مرزی و برون مرزی بدون اجازه مجلس تصمیم بگیرد و من نمی دانم این چه نوع دمکراسی و حکومت مردم سالاری است؟

کشور نباید روی یک فرد تکیه داشته باشد زیرا به هنگامی که ندای مظلومان ستمدیده از حکومت مطلقه به فریاد تبدیل شد، طوفانی برپا می گردد که متأسفانه بی گناهان هم فدا می شوند. در همه جوامع آنها که بت می سازند قهرمان و مقدس دروغین برپا می کنند استبداد آفرین هایی هستند که ملت ها را به زنجیر اسارت می کشند. در رژیم جمهوری مطلقاً هیچ رئیس جمهوری حق نخواهد داشت که حداکثر بیش از دو مرتبه خود را کاندید کند در غیر این صورت امپریالیست های جهانی دست به کار شده و رئیس جمهورها و

## جمهوری اسلامی، یک رژیم بربر و جنایتکار است

در چنین رژیمی سخن از انتخابات، دهن کجی  
به اصول و موازین انسانی است!



جابر کلیبی

از تجاوز به دختران خرد  
سال در زندان ها پیش از اعدام  
گرفته تا شکنجه وحشیانه مخالفان  
سیاسی، از سنگسار زنان تا قتل  
فجیع مخالفان در خانه های خود، از

قطع دست و پا، در آوردن چشم ها از حدقه، انداختن افراد از  
ارتفاع تا ...، همه و همه مشخصات عملی و حقوقی رژیم سرمایه  
داری جمهوری اسلامی است. اینها همه نص صریح قوانین اسلام  
است که بدون آنها اسلام معنای خود را از دست می دهد. پرونده  
سیاه این رژیم از زمان خیزشش به قدرت مملو از فجایع بی  
شماری است که می توان آن را به درستی یکی از حلقه های مهم  
« تاریخ بربریت » در جهان نامید. اما، رژیم جمهوری اسلامی تنها  
در شکنجه، اعدام و سنگسار نیست که بربریت را به حد اعلاء  
رسانده است. در زمینه شرایط مادی زیست برای مردم زحمتکش  
ایران نیز چیزی جز بربریت اقتصادی و اجتماعی به ارمغان  
نیاورده است. کارگران و زحمتکشان به دلیل وضع بد معیشت و  
عدم توان آنها در سیر کردن شکم خانواده خود دست به  
خودکشی دسته جمعی می زنند. این وضعیت غم انگیز انسانهایی  
است که بر گنجه ای از ثروت نشسته اند. زمستان امسال برای  
بسیاری از هموطنان ما، به برکت این رژیم فاسد، فاجعه آفرین  
بود. چه بسا افراد و خانواده ها در اثر سرمای شدید و فقدان  
وسایل ابتدایی جان خود را از دست دادند. قطع برق متوالی و  
فقدان گاز، در کشوری که منابع نفت و گازش چنان وسیع است  
که یکی از بزرگترین کشورهای صادر کننده است، نشانه دیگری  
از سیاست های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی می باشد.  
مشتی سرمایه دار تحت عنوان رژیم اسلامی بر جان و زندگی  
مردم زحمتکش ما چنگ انداخته اند و امکانات عظیم مالی و  
انسانی کشور را صرف زندگی مجلل، تغذیه یک دستگاه عظیم  
سرکوب و گروه های اراذل و اوباش در داخل کرده و در خارج، در

شیخک های مادام العمر را به ملت تحمیل کرده و استبداد و حکومت  
خودکامه دمار از روزگار مردم در می آورد و همان مثال هایی که امروز  
شاهد آن هستیم در مجاور کشورمان به ما باز تحمیل می شود.

### پادشاهی انتخابی یا پادشاهی موروثی

اما اگر در همه پرسی، به فرض مردم به رژیم پادشاهی  
مشروطه رأی دادند در آن صورت باید همانند زمان اشکانیان و حتی  
نمونه های زیادی که در تاریخ داریم پادشاه انتخابی باشد نه موروثی  
یعنی فردی که سلامت جسمی روحی روانی داشته و از آلوده صفتان  
نبوده و قدرت تصمیم گیری داشته باشد انتخاب گردد و اعمال و کردار  
او تحت کنترل پارلمان بوده و بستگان و اطرافیان او امتیازی بیش از  
سایرین نداشته باشند و دولت بودجه ای برای امور تشریفاتی او تعیین  
نماید و هرگاه یکی از صفات مورد نظر را از دست داد محترمانه او را با  
فرد شایسته ای تعویض نمایند. بطور نمونه در بهار سال ۵۲۰ قبل از  
میلاد، نمایندگان و بزرگان کشور در پاسارگاد جمع شدند و داریوش  
بزرگ را به پادشاهی انتخاب کرده و سکه طلا و نقره را به نام او منتشر  
کردند. یا در ۲۱ مارس ۱۷۳۶ در دشت مغان مردم بودند که نادر را به  
پادشاهی انتخاب کردند و او در صورتی حاضر به قبول پادشاهی شد که  
دین به هیچ وجه حق نداشته باشد در امور کشور دخالت کند. این  
برگزیدگان بودند که برای ما افتخار آفرین شدند. در سلطنت های موروثی  
دربار و درباریان از مزایایی برخوردارند که به هیچ وجه شایستگی آن را  
ندارند و فساد اخلاقی و مالی پیوسته در چنین دربارهایی بوده و خواهد  
بود. امروز قدیمی ترین دربار اروپایی با زندگی ولیعهد موروثی و سایر  
درباریان، نمونه بارزی از بقیه دربارهای موروثی است.

اگر سلطنت انتخابی باشد، پادشاه سمبلی است همانند رئیس  
جمهوری های تشریفاتی موجود در جهان امروز و جرأت خطاکاری  
نخواهد داشت و رفتار و کردارش زیر ذره بین نمایندگان ملت خواهد  
بود و این است حکومت مردم سالاری. وقتی پادشاه واجد شرایطی  
انتخاب شد و رفتار و کردار او تحت کنترل دقیق نمایندگان واقعی  
ملت باشد درباری صاحب اختیار وجود نخواهد داشت که وزیر دربارش  
که نه در قانون اساسی به آن صورت بوده و نه جوابگوی نمایندگان  
مجلس باشد گردانندگان کامل امور داخلی و خارجی کشور بوده و  
امامزاده ای بشود که هرکس برای خواسته های حق یا ناحق خود  
مجبور باشد به ضریح او دخیل ببندد. آنانی که مثالهای موروثی  
کشورهای اروپایی را مد نظر دارند باید مردم ایران را با مردم آن  
کشورها عوض کنند.

ژنرال عقیلی پور

ژانویه ۲۰۰۸

بی توجهی دولت به مشکلات و مسائل مردم، به حدی عیان است که حتی صدای اعتراض برخی از **نمایندگان مجلس ارتجاع** را نیز بلند کرده است. جمعی از نمایندگان مجلس، خواستار احضار مسئولین **نفت و گاز** به مجلس شدند تا در جلسه غیر رسمی درباره مشکلات پیش آمده برای مردم بر اثر سرما توضیح دهند.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، این گروه از نمایندگان در تماسی با هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی با اشاره به مشکلات ناشی از برودت هوا و **افت فشار گاز** و به وجود آمدن مشکلاتی برای مردم استان های مازندران، گیلان، گلستان، اردبیل، کردستان، آذربایجان غربی و شرقی و دیگر نقاط کشور و همچنین **افزایش قیمت** وسایل گرمازا و نان در برخی از شهرها، خواستار توضیح دولت شده اند. گزارش های خبرگزاری های دولتی ایران حاکی است که بسیاری از مردم شهرهای استان مازندران، گیلان، سمنان و گلستان با افت فشار و قطع گاز، آب، برق و **افزایش شدید قیمت نان** روبرو هستند. در قائم شهر نیز مردم معترض با حمله به فرمانداری این شهر به وضعیت موجود شدیداً اعتراض کردند.

این گزارش ها می افزایند مردم استان **مازندران** در زمینه قطع گاز با مشکلات بیشتری روبرو هستند و صف های طولی برای دریافت **نفت** در شهرستان های این استان تشکیل شده است.

بدنبال این اتفاقات **محمود احمدی نژاد**، رئیس جمهوری ایران که دولت وی متهم به «**سوء تدبیر در این بحران**» شده است به صورت غیرمنتظره وارد ساری، مرکز استان مازندران شد و در جلسه **ستاد بحران** استان های شمالی ایران شرکت کرد.

محمود احمدی نژاد، در پایان این نشست گفته است: «**با** تلاش نیروهای **وزارت نفت** و **شرکت ملی** گاز این مشکل در حال بر طرف شدن است و تا سه شنبه هفته آینده وضع عادی می شود.» رئیس جمهوری ایران، دلایل ایجاد مشکلات گاز را «**سرمای بی** سابقه، نقص فنی در شبکه های گاز رسانی و **مشکلات فنی** ایجاد شده در **گاز وارداتی**» عنوان کرد. وی افزود: «**با کاهش گاز** مصرفی در استان های دیگر و انتقال گاز به استان های شمالی کمبود گاز در این استان ها بر طرف می شود.»

از سوی دیگر، بنا به اقرار **مهدی هاشمی**، نماینده ویژه رئیس جمهوری ایران، از مجموع ۳۰ استان کشور، ۲۸ استان به صورت کم و زیاد با **مسئله افت فشار** روبرو هستند. وی از قطع **پنج میلیون متر مکعبی گاز** صنایع ذوب آهن و فولاد مبارکه خبر داد و افزود از طریق استان **تهران** برای جبران کمبود نان روزانه ۲۰۰ تن نان به استان مازندران انتقال خواهد یافت.

حساب های کلان بانکی خود واریز کرده اند تا زمانی که مردم تاروپود **رژیم ارتجاعی** را درهم نوردیند، اینان بتوانند، مانند سلف خود، **خاندان پهلوی** از اموال غارت شده مردم به زندگی انگلی خود ادامه دهند. نگاهی به آنچه در ایران می گذرد، ستمی که به مردم، کارگران، دانشجویان، معلمان و ... می رود، تنها نمونه اندکی از اعمال **ضد مردمی** رژیم جمهوری اسلامی است. این نمونه ها به خوبی نشان می دهند که تا زمانی که این رژیم با تمام جناح های خود بر جامعه ایران حاکم است، چیزی جز **شکنجه و کشتار، فقر و مذلت، زندان و سرکوب** نصیب مردم نخواهد شد. آزادی و رفاه اجتماعی مردم تنها با **سرنگون** ساختن کلیت رژیم اسلامی و برقراری یک نظام اجتماعی که در آن توده های مردم بتوانند **آزادانه** سرنوشت خویش را تعیین کنند، امکان پذیر است! از این رو به جای بحث در مورد انتخابات و چگونگی آن در **نظام فاشیست اسلامی** حاکم بر ایران باید در زمینه چگونگی درهم پیچیدن حیات ننگین آن فکر کرد!

## بحران گاز و کمبود نان و خود سازمان دهی اجتماعی!

بهرام رحمانی



حکومت اسلامی در ایران، **فقر و فلاکت** اقتصادی و سانسور و **اختناق** سیاسی فزاینده ای را بر جامعه ایران تحمیل کرده است. این حکومت، همچنین تاکنون اعتراضات بر حق کارگران، زنان، دانشجویان و مردم حق طلب را به وحشیانه ترین شکلی سرکوب نموده است. اکنون نیز سرمای جانکاه و سوزناکی با آغاز زمستان و **بحران گاز** به ویژه در استان های شمال و شمال غربی و مرکزی به انواع دردها و رنج های مردم این کشور افزوده شده است. فراتر از آن، در اثر سرما عده ای جان خود را از دست داده اند و حتی **بحران نان** نیز در حال گسترش است. عامل اصلی همه این سیه روزهای مردم، حکومت اسلامی است. از این رو، باید به «**چه باید کرد؟**» و در پایه ای ترین سطح به خودسازمان دهی اجتماعی که در آن توده های مردم حضور فعالی داشته باشند و به سرنوشت خویش حاکم باشند، به ویژه در شرایط موجود مورد بحث و بررسی قرار داد و راه های عملی و مؤثری را نیز برای **رهایی جامعه ایران** از **جهنم حکومت اسلامی**، پیش پای جامعه گذاشت.

ورنه کز فریدون وجم نامی ماند

کاوه ای باید تا خونین درفش بر فرازد

مصاحبه روز جمعه ۲۱ دی ماه احمدی نژاد و دستور وی برای کشیدن **یک خط گاز جدید برای شمال** کشور هم آب پاکی را روی دست همه ریخت. این وعده سرخرمن، که درد امروز مردم را درمان نمی کند، یعنی مردم شمال و غرب کشور فعلاً باید خودشان فکری به حال سرما و قطعی گاز بکنند و دولتی که به فکر تولید **سلاح اتمی** است، برای جهان رهنمود صادر می کند و برای سران جهان نامه می نویسد تا به آنها **درس اداره کشور** بدهد، هیچ راه حل کوتاه مدتی برای حل این مشکل ندارد. بنابراین، اگر مردم **حق طلب** به طور متحد و همبسته فکری به حال خود و جامعه نکنند زمستان سختی همراه با فجایع انسانی در پیش خواهند داشت.

طبق گزارش ها در بسیاری از شهرهای شمال و شمال غرب کشور، مردم در سرمای ۲۰ تا ۳۰ درجه زیر صفر گاز ندارند، ناوایی ها تعطیل است و مردم با **گرسنگی** و **سرما** دست و پنجه نرم می کنند. البته **وزیر نفت** در مصاحبه اش با شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی راه حل کاملاً کارشناسی شده ای - که از وزیر **کابینه احمدی نژاد** غیر از این هم توقعی نیست- ارائه داد تا مشکل کمبود گاز حل شود. او وقیحانه و بی شرمانه پیشنهاد کرد که هر ایرانی یک بخاریش را خاموش کند تا به بقیه هم گاز برسد! مگر اکثریت **مردم ایران**، به ویژه **کارگران** و **مردم محروم** چند اتاق و سرسرا و بخاری دارند که یکی را هم خاموش کنند؟

جالب تر آن که در صحبت های **وزیر نفت** هیچ نشانه ای از **عذر** خواهی به دلیل مشکلات پیش آمده هم وجود نداشت و اتفاقاً تا جایی که وقت اجازه می داد به دفعات از کارمندان شرکت گاز تشکر کرد! در هر صورت مقامات جمهوری اسلامی اقرار کرده اند که در حال حاضر از ۳۰ استان ایران ۲۸ استان به صورت متناوب با افت شدید یا **قطع جریان گاز** روبرو هستند و در برخی شهرهای نیز **آب** و **برق قطع** شده است.

همچنین خبرها از استان های ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و شرقی و لرستان نیز حاکی از ادامه بارش برف سنگین و سرمای شدید است و در برخی شهرهای نیز **جریان گاز قطع شده است**. از شهرهای سقز، مریوان، بانه، سروآباد و بیجار نیز خبر می رسد که سرمای شدید در این شهرها بروز کرده و در برخی مناطق نیز **جریان گاز قطع شده است**.

از سوی دیگر گزارش ها حاکی ست که قیمت مایحتاج ضروری از جمله **نان** و **سوخت** در بسیاری از شهرها به شدت **افزایش** یافته است. در چنین شرایطی، بنا به اقرار **مدیر شرکت ملی گاز** حداقل ۵۰۰ هزار خانوار ایرانی در استان های شمالی در معرض افت فشار و یا قطعی گاز قرار دارند. هم اکنون **سه هفته** است که صنایع مختلف

اما هیچ کدام از این اقدامات و وعده و عیدهای **احمدی نژاد** و دیگر مسئولات حکومت اسلامی، تاکنون نتیجه ای نداده است و وضع روزبروز **بدتر** هم شده است. برای مثال، به گزارش خیرگزاری حکومتی فارس، **مهرانگیز مروتی** نماینده خلخال و کوثر، به عنوان سومین ناطق پیش از دستور جلسه علنی روز یکشنبه ۲۳ دی ماه مجلس شورای اسلامی، برای مردم **اشک تمساح** ریخت و گفت: امروز من با دیدگانی خونبار و احساس مسئولیتی سنگین بر دوش خود فریاد می آورم که ای مسئولین کشور به داد مردم **خلخال** و **کوثر** برسید، ای کسانی که در جای گرم و امن سر بر بالین می گذارید آیا می دانید سوز سرمای **۳۰ درجه زیر صفر** یعنی چه؟

وی، با اشاره به بسته بودن راه **اسالم** به **خلخال**، افزود: آیا بارها از رسانه های مختلف، بسته بودن راه اسالم به خلخال را نشنیده اید؟ پس چرا این همه **کم لطفی** و **بی توجهی** در حق این مردم شریف و نجیب روا می دارید اگر برف و سرما در اقصی نقاط کشور بی سابقه است در مناطق کوهستانی استان اردبیل امری متداول است؛ پس چرا کم ترین تدبیری که در شرایط اضطراری حتی ناوانی های منطقه نیز از پخت نان مستأصل نشوند اندیشیده نشده است.

خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۳ دی نوشت: **امیدوار رضایی** نماینده **مسجد سلیمان** در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس در تذکری آئین نامه ای گفت: این شهر به عنوان **اولین دارنده گاز طبیعی**، فاقد گاز شهری است و کودکان مسجد سلیمانی در حالی که زیر پای آن ها گاز وجود دارد، از سرما می لرزند ... مسجد سلیمان در دامنه زاگرس قرار گرفته و دارای سرما و افت طاقت فرسایی است و **کودکان** این شهر از سرما گریزان هستند. رضایی، همچنین گفت: گاز سمی از زمین درحال نشست در این شهر است و این امر موجب ناراحتی ساکنان این شهر شده است.

به گزارش سایت حکومتی آفتاب، چند روز پیش **فخرالدین حیدری** نماینده مجلس از شهرستان های **سقز** و **بانه**، گفت در حال حاضر حدود **۷۰ درصد** از ساکنین شهرهای سقز و بانه **فاقد گاز** هستند و این در حالی است که برودت هوا در این شهرها **۲۰ درجه زیر صفر** است. وی افزود، مسئولان امر در استان **کردستان** و شرکت ملی گاز ایران قول داده بودند که با اتصال خط لوله حلب- بیجار امسال شهرستان های سقز و بانه قطعی گاز نداشته باشند اما متأسفانه این وعده محقق نشد و امسال نیز مانند چند سال گذشته در این دو شهر شاهد قطعی گاز هستیم. حیدری، تصریح کرد جای تعجب است مسئولان وزارت نفت هر روزه با افتخار بحث **قراردادهای صادرات گاز** را مطرح می کنند اما از تأمین گاز برای مصارف داخلی **عاجز** هستند.

صنعت گاز اقدامات ضروری انجام نداده است. دلایل و ریشه های اصلی این وضعیت که در طول سه هفته، کشور به این حد از بحران سوخت و نان رسید را باید در سیاست های چپاولگری و دزدی، فساد و اختلاس ارگان های مختلف اداری و مدیریتی و امنیتی از بالاترین مقامات تارده های پایین حکومت اسلامی جست و جو کرد.

ادامه وضعیت نامناسب جوی در حالی است که هم چنان جریان گاز در برخی شهرهای استان های شمالی و استان های آذربایجان و کردستان و... قطع است و مردم برای دریافت سوخت و دیگر نیازمندی های خود با مشکلات جدی روبرو هستند و از سوی دیگر مسئولین حکومت نسبت به این مسئله مانند بسیاری از مسایل دیگر بی تفاوت اند خودسازمان دهی مردم اهمیت صد چندانی پیدا می کند. یعنی مردم با به وجود آوردن تشکل های خود در محلات می توانند خود را در سطح محله و شهر و کشور سازمان دهی کنند تا از یک سو، نمایندگان آن ها با مسئولان حکومت وارد بحث و مذاکره بشوند و از سوی دیگر، برای توزیع مایحتاج خود جمعی تصمیم بگیرند و جمعی هم اقدام کنند. همچنین اعتراضات به شکل سازمان دهی شده و هدفمند برگزار شود نه احساسی و خود به خودی. این سازمان دهی قدرت مردم را در مقابل تامین مایحتاج ضروری و در مقابل سرکوبگر های حکومت بالا می برد. در پایین این «چه باید کرد؟» را بیش تر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### قربانیان بحران گاز

در پی بارش برف سنگین و افت شدید دما در ایران، استفاده از وسایل گاز سوز افزایش بیش تری پیدا کرده است و گزارش ها نشان می دهد که گاز گرفتگی نیز بیش تر شده است.

خبرگزاری حکومتی ایسکانیوز، ۲۱ دی ماه، خبر داد: جنازه سه مرد جوان در کنار محور سمنان-شاهرود پیدا شد. جنازه آن ها در یک چادر مسافرتی و نزدیک پادگان ۴۰ دختر کشف شده است. شواهد نشان می دهد این سه مرد جوان به خاطر استنشاق گاز منواکسید کربن ناشی از گاز پیک نیک در چادر، جان باختند. قربانیان، علیرضا، موسی و جواد نام داشتند و به ترتیب ۲۶، ۲۸ و ۳۰ ساله بودند.

خبرگزاری ایسنا، به نقل از دکتر عبدالرحمان رستمیان، رییس مجتمع بیمارستان خمینی، نوشت که به دلیل سرمای بیش از حد هوا در تهران میزان شکستگی ها در این فصل نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۸۵، صد در صد افزایش نشان می دهد.

تلویزیون حکومت اسلامی، به نقل از آتش نشانی شهر تهران گزارش داد که در روز شنبه ۲۲ دی ماه، ده نفر در شهر تهران به علت گاز گرفتگی جان سپرده و ۲۲ نفر نیز از مرگ حتمی نجات پیدا کردند.

کشور به دلیل کمبود گاز و گرانی شدید گازوئیل و کمبود آن با توقف خط تولید دست به گریبان هستند. برخی از صنایع به دلیل کمبود گاز به حالت تعطیل درآمده است.

قطع گاز در بخش یا اغلب نقاط مختلف شهر های شمال غرب ایران، به ویژه شهرهای مراغه، اهر، جلفا، هادی شهر، مغان، مشکین شهر، خلخال، میاندوآب، بیله سوار، مهاباد، اشنویه و پیرانشهر و برخی از روستا ها هم چنان ادامه دارد.

سرمای توام با زمین لرزه های خفیف در شهرهای تبریز، سیه رود، کلیبر، مهربان، صوفیان، نیر و بیله سوار نیز بر دامنه نگرانی و اضطراب شهروندان افزوده است.

قطع راه ها ارتباطی در مناطق شهری و روستایی در شمال غرب ایران انتقال سوخت، مواد غذایی و کمک های امدادی را مختل کرده است، به طوری که به اقرار خود مسئولان بیش از ۲۰۰ کیلومتر از راه های روستایی در آذربایجان شرقی بسته شده است. همچنین راه های روستایی بیش از ۱۰۰ روستا در آذربایجان شرقی مسدود شده و تنها در شهرستان مراغه با بسته شدن ۶۰ راه روستایی در محاصره برف و کولاک قرار گرفته و راه ارتباطی ۶۴ روستا در استان زنجان همچنان بسته است که اداره راهداری در حال بازکردن راه ها است.

با توجه به بسته شدن راه های ارتباطی صد ها روستا، انتقال دارو و نیز بیماران به مراکز درمانی ناممکن شده است. بسیاری از روستائیان که نیاز به خدمات پزشکی و دارویی دارند، با وجود قطعی گاز و بسته شدن راه روستایی خطر تشدید بیماری و حتی مرگ جان آن ها را تهدید می کند.

لوله های آب آشامیدنی بسیاری از روستاها و برخی از شهرنشینان بر اثر شدت سرما قطع شده است. بسیاری از افرادی که با چنین مشکلی مواجه هستند در سرمای طاقت فرسا با دستانی یخ زده، با گالن ها و ظروفی اقدام به انتقال آب به منازل خود می کنند. با تعطیلی نانوائی هایی که با گاز کار می کردند صف هایی در برابر فروشندگان نان به وجود آمده و گاه قیمت یک عدد نان لواش که از شهرها و استان های همجوار تهیه شده به چند برابر قیمت یا ۱۰۰ تومان به فروش می رسد.

افت شدید دما و بارش سنگین برف در چند دهه اخیر کم سابقه بوده است و حتی بیابان های کویر لوت ایران نیز از نعمت برف بی نصیب نمانده و بعد از نزدیک به پنجاه سال سفید پوش شده است.

اساسا این بحران موجود را علاوه بر بارش برف سنگین و سرمای شدید باید در سیاست های اقتصادی حکومت اسلامی مورد بررسی قرار داد. یعنی با وجود این که حکومت اسلامی، فقط در دو سال گذشته بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار از منبع فروش نفت به خزانه اش واریز شده است اما، برای زیرساخت های اساسی از جمله در

پدر خانواده ای در استفاده از وسایل گازسوز، خانه ای را در جنوب تهران به آتش کشید. در این حادثه چند تن سوخته و راهی بیمارستان شدند. پدر خانواده با نصب کپسول به آبگرمکن خانه قصد گرم کردن آب را داشت که دقایقی بعد کپسول ترکید و خانه آتش گرفت. ساعاتی بعد با تلاش مأموران آتش نشانی حریق مهار شد، اما سه تن از اعضای خانواده به علت سوختگی شدید به بیمارستان منتقل شدند.

روزنامه کیهان، ۲۴ دی ماه، آماری از کشته شدگان بر اثر گاز گرفتگی در استان آذربایجان شرقی را منتشر کرد و نوشت که طی ۲۳ روز گذشته ۷۱ نفر در این استان جان باخته اند.

کیهان، همچنین از انفجار یک خانه در خلخال بر اثر قطع و وصل گاز، خفگی چهار عضو یک خانواده در تهران نیز خبر داده است. این روزنامه در خبر دیگری از گاز گرفتگی ۲۵ دانش آموز ورامینی در روز یکشنبه خبر داده و نوشته است: «صبح روز یکشنبه به دلیل نشت گاز منوکسید کربن از لوله بخاری گازی انرژی که یک ماه پیش در این مدرسه نصب بود، دانش آموزان این مدرسه دچار گازگرفتگی شدند.»

#### تاثیر بحران گاز بر قراردادهای بین المللی و مشکلات صنایع و خدمات شهری

ترکمستان، روزانه حدود ۲۴ میلیون متر مکعب گاز به ایران صادر می کرد که هفته گذشته به دلیل آنچه بروز مشکلاتی فنی می خواند صادرات را قطع کرده است.

روزنامه اعتماد ملی، یکشنبه ۲۳ دی ماه، در گزارشی با عنوان «چانه زنی بر سر لوله های خالی» خبر داد که «قرارداد خط لوله فروش گاز به پاکستان هم زمان با ادامه بحران گاز در کشور امضاء می شود.» این روزنامه نوشته است: «در زمستانی که کشور دچار بحران گسترده و بی سابقه گاز شده و مردم مناطق گسترده ای از نیمه شمالی کشور در یخبندانی که در ۵۰ سال گذشته بی سابقه خوانده شده است کنار بخاری های خاموش نشسته اند و در حالی که ایران قادر نیست مطابق تعهد بین المللی جوابگوی صادرات روزانه ۲۰ میلیون متر مکعب گاز به ترکیه باشد، سه کشور ایران، پاکستان و هند بر سر خرید گاز ایران از طریق خط لوله صلح مشغول چانه زنی هستند.»

اعتماد ملی، در گزارشی دیگر نیز خبر داد که «بحران گاز جدی تر از آنچه که به نظر می رسید گسترش یافته است و اکنون پس از قطع آن در شهرهای مختلف و بروز مشکلات بسیار، بحران قطع گاز کارخانه های صنعتی و تامین نان مصرفی مردم را نشانه گرفته است.»

بر اساس گزارش ها، در یک هفته گذشته در ایران ۲۷۰ مورد گاز گرفتگی گزارش شده اما از تعداد دقیق مرگ و میر ناشی از گاز گرفتگی گزارشی کاملی منتشر نشده است.

به گزارش آتش نشانی تهران، در یک خوابگاه دانشجویان دختر در اقدسیه تهران نیز حادثه گاز گرفتگی رخ داده و چهار دانشجو از مرگ نجات پیدا کردند.

بنا به گزارش «ایرنا»، خبرگزاری حکومتی ایران، ۲۰ نفر نیز در استان خراسان رضوی بر اثر گاز گرفتگی جان باختند. در زنجان نیز، ایسنا، از مرگ یک خانواده سه نفره در صبح روز یکشنبه خبر داد.

گاز گرفتگی بر اثر استنشاق گاز منواکسید کربن رخ می دهد که رنگ و بو ندارد و اکسیژن خون را مصرف می کند و مانع رسیدن اکسیژن به مغز و بافت ها می شود و افراد را به از پای در می آورد.

ایرنا، ۲۳ دی ماه، به نقل از مسئول ستاد فرماندهی آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان نوشت: با مرگ دو زن، آمار مرگ و میرهای ناشی از گاز گرفتگی در اصفهان به ۱۷ نفر رسید.

فرهاد رضوانی، رییس اداره فوریت های پزشکی اورژانس کشور یکشنبه شب ۲۳ دی ماه، به خبرگزاری فارس گفت: «بر اساس آخرین آمار موجود طی ۲۴ ساعت گذشته ۲۱ نفر به علت واژگونی خودرو جان خود را از دست دادند که از این تعداد چهار نفر بر اثر سرمازدگی جان باختند.»

وی گفت: «بیشترین مشکل در محور جاده هراز و محور قزوین - رشت بود که با همکاری هلال احمر، راهداری، پلیس راه و اورژانس تاکنون حدود ده هزار نفر از افراد در راه مانده در ساختمان های راهداری اسکان یافته اند.»

پلیس راه ایران روز یکشنبه هشدار داده بود که به دلیل بارش برف حدود ۵۰ خودرو در جاده تهران - شمال زمین گیر شده اند و در صورتی که به آن ها سوخت و امکانات نرسد، احتمال بروز خطر برای سرنشینان آن ها وجود دارد.

خبرگزاری حکومتی فارس، ۲۴ دی ماه، به نقل از سرپرست سازمان پزشکی قانونی کشور نوشت: بر اساس آمارهای موجود در سازمان در روزهای ۱۶ تا ۲۱ دی، ۶۸ نفر از هموطنان بر اثر مسمومیت با گاز CO جان خود را از دست دادند. عابدی خاطر نشان کرد: ۴۳ نفر از فوت شدگان بر اثر مسمومیت با گاز CO را مردان و ۲۵ نفر را زنان تشکیل می دهند.

دستکاری تنظیم کننده (رگلاتور) گاز، یک خانه مسکونی در شهرک قلعه حسن گرگان نیز انفجار این خانه را به دنبال داشت. این حادثه تلفاتی نداشت، اما موجب مجروح شدن تعدادی از افراد خانواده شد.

حسین گل آبادی مسئول نمایندگی قطارهای مسافربری رجا، به خبرگزاری ایسنا، گفته است که سرمای شدید هوا باعث یخ زدگی گازوییل در قطارها شده است و به همین دلیل قطارها با مشکل مواجه اند. لازم به یادآوری است که قبل از این در سال های اخیر، به ویژه به دلیل واردات بیش از حد برخی **اقلام نظیر** لباس، کفش، شکر و غیره باعث رکود در عرصه تولیدات داخلی و در برخی مواقع نیز به تعطیلی واحدهای تولیدی در بخش هایی از صنایع ایران شده و کارگران آن ها نیز بیکار و سرگردان شده اند. اکنون به نظر می رسد با **بحران گاز و برق**، بهانه خوبی به صاحبان صنایع بحرانی داده است تا از این موقعیت استفاده کنند و با تعطیلی کارگاه ها و کارخانه های در بحران، سرمایه خود را در بخش تجاری و وارداتی که پرسودتر است به کار اندازند. ادامه دارد ...

## انتخابات حکومتی را به ضد انتخابات

### تبدیل می کنیم

- **ملت ایران** دیگر فریب **ملایان** و **مزدوران** آنها را نخواهد خورد.
- **فرزندان ایرانزمین** نه تنها در **انتخابات** حکومتی شرکت نخواهند کرد بلکه انتخابات را به **ضد انتخابات** تبدیل می کنند.
- **فرزندان ایرانزمین** شعار مبارزه تا **براندازی** را فراموش نمی کنند.
- **فرزندان ایرانزمین** به **زودی اصلاح طلبان** را همراه با **اصولگرایان**، به زباله دان تاریخ خواهند فرستاد.

**سازمان پارس و شورای براندازی** یگانه سازمان سیاسی بوده است که از ابتدا، هرگونه انتخابات را در حکومت جبار اسلامی **تحریم** کرده است. در اولین **انتخابات محمد خاتمی** برای ریاست جمهوری، این سازمان با همه گروههای به اصطلاح اپوزیسیون خارج جنگید که **اعلامیه مشترک تحریم انتخابات** در حکومت اسلامی بدهند ولی از **جبهه ملی** گرفته تا **فدائیان اکثریت**، **سلطنت طلبها**، **حزب ملت**، **حزب دمکرات کردستان** و دیگر احزاب و گروههای سیاسی و همچنین رادیو تلویزیونهای **لس آنجلسی** همگی به شکلی در انتخابات خاتمی **همراهی** و **همکاری** کردند و تا این زمان به خیانت خود ادامه داده اند؛ امید است که این افراد امروز در مسیر **براندازی** قرار گیرند و با **تحریم** همه جانبه انتخابات یا بهتر بگوییم **انتصابات** در حکومت اسلامی، دیگر صدمه ای به **جنبش براندازی** نزنند و در مسیر خواست ملت ایران که **آن نابودی حکومت وحشی اسلامی** است گام بردارند. ولی در حال حاضر دیده می شود که هنوز کودکان های سیاسی وجود دارند که به

خبرگزاری ایسنا، ۲۱ دی ماه خبر داد: بهره برداری از چندین واحد صنعتی **خوزستان** به دلیل نبود برق به تعویق افتاد. رییس سازمان صنایع و معادن استان **خوزستان** گفت تامین نشدن گاز و برق، بزرگ ترین مشکل واحدهای صنعتی است.

نورالله حسن زاده گفت، متأسفانه به دلیل **نبود انرژی برق** مورد نیاز واحدهای صنعتی، بهره برداری از چند واحد صنعتی به تعویق افتاده است. وی افزود، هم اکنون چند واحد صنعتی در شهرک شماره ۲ اهواز که در حوالی شهر **اهواز** واقع شده، به دلیل نبود انرژی برق مورد نیاز به بهره برداری نرسیده است.

وی، با اشاره به فراگیر بودن مشکل برق در شهرک های صنعتی **خوزستان**، گفت: **متأسفانه** در شهرک صنعتی رامهرمز برای بهره برداری از واحدها به دلیل نبود انرژی برق مورد نیاز دچار مشکل شده ایم.

مردم بهم، در سرمای شدید با نبود برق به سر می برند. مدیر امور برق شهرستان **بم** علت **قطع برق** را که تاکنون نیز ادامه دارد یخ زدگی خطوط برق، توزیع و انتقال و مصرف بالای برق اعلام کرد.

ایرانپور، افزود: فقط برق اضطراری بیمارستان پاستور، یک جایگاه سوخت **بنزین** و سازمان آب این شهر وصل است... مصرف بیش از حد برق طی چند روز گذشته موجب از کار افتادن ده دستگاه ترانسفورماتور و هفت دستگاه تابلو توزیع برق شده است. مدیر امور برق شهرستان **بم** خسارت **تجهیزات** شبکه و تاسیسات جانبی برق را دو میلیارد ریال برآورد کرد.

مدیرعامل شرکت **اتوبوس رانی تهران** و **حومه**، از توقف بیش از ۲ هزار دستگاه **اتوبوس گازسوز** به خاطر افت فشار گاز خبر داد. بیژنی، در گفتگو با ایسنا، گفت: مجموعاً ۷ ایستگاه **CNG** برای تامین گاز مورد نیاز **اتوبوس های گازسوز** تهران وجود دارد که از این تعداد ۴ ایستگاه به خاطر افت فشار گاز غیرفعال شده و از ۳ ایستگاه مابقی نیز تنها، ۵۰ درصد فعال است و به طور میانگین تنها ۱/۵ ایستگاه فعال برای حدود ۲ هزار و ۷۰۰ **دستگاه اتوبوس** تهران وجود دارد.

وی، با بیان این که در پی افت فشار گاز، ۷۰ درصد **اتوبوس های گازسوز شرکت** واحد دچار مشکل سوخت گیری شده اند، افزود: به عبارتی دیگر بیش از ۲ هزار **اتوبوس گازسوز** در تهران به خاطر افت فشار گاز غیرفعال و از چرخه خدمات رسانی به مردم خارج شده است. مدیرعامل شرکت **اتوبوس رانی تهران** و **حومه** یادآور شد: همچنین با توجه به این که **اتوبوس های گازسوز** از استانداردهای لازم برخوردار نیست، لذا گاه دچار **یخ زدگی** می شود و در مجموع هم اکنون برای تامین گاز و استفاده از این **اتوبوس ها** در وضعیت ضعیفی به سر می بریم.

ملت ایران با تحریم همه جانبه انتخابات، محکومیت و نابودی حکومت ضد ایران و ایرانی اسلامی را همراه با محکومیت حمایت سیاست های استعمار جهانی از آن صادر می کند.

ملت ایران دیگر در انتظار انحلال، اضمحلال و فروپاشی از درون این حکومت نیست و با مبارزه عملی و مثبت و درگیری ها و اعتصابات در جنگ برای نابودی این اشرار اهل عمامه و شیاطین مذهبی، پیروز خواهد شد.

اکنون که هسته های براندازی در داخل کشور تشکیل شده اند، سربازان و کماندوهای پارسی باید ضربات مهلک خود را بر پیکر فرسوده و پلید این حکومت دزد و قاتل وارد آورند و انتخابات را به ضد انتخابات تبدیل نمایند.

هسته های براندازی می بایست حملات خود را به مراکز حکومتی و عناصر حکومتی افزایش دهند و محل ها و صندوق های رأی گیری را به آتش بکشند.

سکوت و نظاره کردن در مقابل ضرب و شتم و شکنجه و کشتار فرزندان ایرانزمین از جانب ملایان خبیث حکومتی بس است. سکوت در برابر بازداشت ها، شکنجه، قطع دست و پا، سنگسار و کشتار دانشجویان، کارگران، فرهنگیان تا مرگ مشکوک زندانیان سیاسی و اعدام مخالفان حکومت ضد ایران و ایرانی، به نام اراذل و اوپاش بس است و در کل سکوت و قبول حضور شیاطین مذهبی حکومت اسلامی در ایران خیانت است به نام ایران و تاریخ ایران.

دشمنان ایرانزمین بدانند که تا زمانی که شیرزان و آزادمردان دلاور ایرانزمین می خروشدند، خواب راحت نخواهند داشت و در نهایت فرزندان ایرانزمین، سرزمین اهورایی خود را از شر دزدان و قاتلان اهل عمامه و استعمارگران مذهبی جهانی پاک خواهند کرد.

هم اکنون که مبارزه سازمان پارس و شورای براندازی از مرحله سیاسی اندیشه ای و گفتاری به مرحله کرداری و عملیاتی خود رسیده است، هسته های براندازی به زودی ضربات کشنده ای بر پیکر پلید و فاسد این حکومت شیطانی فرود خواهد آورد و با همراهی تمام ملت ستمدیده ایران و فرزندان واقعی این مرز پرگهر، به زودی روز قیام ملی را گرامی خواهد داشت و جنبش سپید براندازی پیروز خواهد شد و پیرو آن امنیت و آرامش، رفاه و عدالت و درکل آزادی، آبادی و سرفرازی به سرزمین کورش سایه خواهد افکند.

بهمن ماه ۳۷۴۵ جمشیدی

دکتر آرمان نوری

اسم اپوزیسیون، سخن از اصلاح طلبان و اصولگرایان (اقتدارگرایان) می زنند و هنوز دریافته اند که این سناریو از ابتدای به قدرت رسیدن حکومت اسلامی وجود داشته است و این کودکان ها و تاریک اندیشان در مسیر استمرار حکومت ضد ایران و ایرانی فعال بوده اند.

فرزندان ایرانزمین می دانند که اولین استراتژی و هدف برای نیل به آزادی، آبادی و سرفرازی ایران و ایرانی، براندازی حکومت جبار اسلامی می باشد. بی گمان براندازی حکومت اسلامی توسط اپوزیسیون میهن پرست و حقیقی یعنی سازمان پارس و شورای براندازی با حمایت و همراهی همه اقشار ملت ایران صورت خواهد گرفت. ملت بزرگ ایران به زودی قاطعیت خود را برای به چنگ آوردن آزادی، آبادی و سرفرازی از دست رفته خود با مبارزه بی پایان تا براندازی و نابودی حکومت پلید اسلامی در ایران، به جهانیان نشان خواهد داد.

اکنون ملت ایران به نیروی عظیم همبستگی خود اتکا دارد و همبستگی دانشجویان، جنبش زنان، کارگران، کشاورزان و کارمندان و در کل همه اقشار مملکت همراه با حمایت نیروهای مسلح ملی به رهبری شورای براندازی، روز قیام ملی را خواهد آفرید و آن روز است که سرود آزادی یک ملت بزرگ به گوش جهانیان خواهد رسید و شیاطین مذهبی حاکم در ایران نابود خواهد شد.

من آرمان نوری رهبر جنبش سپید براندازی به همه آنان که تاکنون علیه منافع ملت ایران دانسته یا ندانسته مزدوری و خیانت کرده اند، اخطار می کنم که دست از اعمال ضد ملی و میهنی خود بردارند و به دامان ملت ایران بپیوندند و در مسیر شورای براندازی یعنی خواست ملت ایران، هماهنگ شوند و گرنه آینده ای تاریک و تار در انتظار آنان خواهد بود.

همچنین اخطار من به همه رادیوهای فارسی زبان خارجی این است که دست از سخن پراکنی های مزورانه خود برای اغفال مردم ایران بردارند و از مسیر حمایت حکومت اسلامی خارج شوند و از آزادی و دموکراسی در ایران حمایت کنند که نتیجه آن نابودی ملایان و شبه ملایان حاکم در ایران است.

انتخابات آزاد و سالم و معتبر و عادلانه هنگامی میسر است که دولتی مردمگرا و دمکراتیک، مسئول کشور باشد و فضای باز سیاسی - اجتماعی در جامعه حکمفرما باشد.

ملت ایران اکنون می داند که حضور در انتخابات این حکومت جانی اسلامی به معنی مشروعیت بخشیدن به آن و استمرار بیش از پیش آن است.

## براندازی نظام اسلامی

«رامین کامران»



چگونه اسلام «سکولار» شد

از زمانی که شاپور بختیار در

مقابل خمینی ایستاد و لزوم لائیک

بودن حکومت را به همگان گوشزد

کرد بیست سالی گذشت تا تجربه

حکومت اسلامی مردم ایران را به لزوم

جدایی دین و دولت متقاعد ساخت. طبعاً این گرایش اساسی و درست که جزء فراموش شده و به سرانجام نرسیده تجدید در ایران بود نمیتوانست از چشم اسلامگرایان پنهان بماند و گروه اخیر می بایست به دلیل خطری که از آن برمیخاست در برابرش واکنش نشان میداد و برایش «مهار اسلامی» می ساخت.

این کار با استفاده نابجا (از بابت علمی) ولی کارآمد (از بابت

سیاسی) از بحث «سکولار شدن دین» ممکن گردید. این امر

مدتهاست پذیرفته شده که اگر دینی به امور دنیوی بپردازد و بخواید

حیات این جهانی مردم را خارج از حوزه خاص مذهب سامان بدهد

«سکولار» خواهد شد. این فرآیند در حکم دنیوی شدن و به تناسب

فاصله گرفتنش از امور معنوی است. کسی که برای دین اهمیت قائل

باشد و بخواید همین مفهوم را با استفاده از عبارتی آشنا و سنتی بیان

کند احتمالاً در این مورد خواهد گفت که «دین به دنیا آلوده شده» یا

«دین نباید به دنیا آلوده گردد». تمامی بار منفی فرآیندی که دین را

دنیوی یا سکولار می کند و تقدس آنرا تحلیل می برد در این عبارات

درج است ولی مقاله نویسان اسلامگرا و از جمله آنهایی که نام

روشنفکر اسلامی یا دینی بر خود نهاده اند، بسیار پذیرای فکر

«سکولار» شدن اسلام شدند و این را هم به عنوان یکی از معجزات

حکومت اسلامی به همگان عرضه نمودند و ادعا کردند که اسلام نه

تنها تمامی محاسن شرق و غرب را در عین پس زدن هر دو در خود

جمع آورده است بلکه توانسته حتی سکولاریسم را هم به فهرست

دستاوردهای فرهنگ پربرکت اسلامی علاوه کند و از این بابت هم

استغنا خویشت را به جهانیان اثبات نماید. طبعاً این امر که سکولار

شدن از دید هر مذهبی عیب است و نه حسن از قلم افتاد چون فایده

سیاسی مغشوش کردن اذهان و چنگ انداختن بر مفهوم سکولاریسم

در شرایطی که مردم طالب این کالا بودند بر معایب مذهبی این کار

میچربید. بخصوص که به هر صورت این معایب در نظر آنهایی که درد

دین دارند معنی داشت و این درد هم چنانکه میدانیم در فهرست

دلمشغولی های اسلامگرایان در مرتبه آخر قرار دارد.

دلیل اینکه صاحب شدن مفهوم سکولار برای اسلامگرایان

ممکن بود و چنگ انداختن به لائیسیتته برایشان مقدور نبود در تفاوت

معنای لغوی این دو کلمه نبود، چون از این بابت تفاوتی بین آنها

نیست، در سابقه شکل گیری و شیوه به کارگیری آنها بود و در نهایت

در بار تاریخی شان. حال اینها را از نظر بگذرانیم.

### دو کاربرد

اول از همه اینکه «سکولار» بیشتر مفهوم علمی است و ابزار

تحلیل در صورتیکه «لائیک» مفهوم سیاسی است و ابزار عمل. سکولار

شدن (sécularisation) بیشتر برای نامیدن فرآیندی تاریخی مورد

استفاده قرار میگیرد که الزاماً اراده مشخصی آنرا رهبری نکرده است.

لائیک کردن (laicisation) در درجه اول به پیامد مستقیم سیاستی

خاص اطلاق میگردد که بنا بر تعریف برخاسته از اراده ای مشخص

است. همین تفاوت راه تردید و بازبینی را، چنانکه لازمه مفاهیم علمی

است، در اولی به مقدار زیاد باز میگذارد و فرصت میدهد تا در مقام

فرض هم که شده معانی مختلفی به طور همزمان به آن نسبت داده

شود تا پس از بحث و تدقیق (که در علوم انسانی به ندرت ختم

میگردد) یکی از آنها بر دیگران برتری یابد. خلاصه اینکه وارد کردن

برداشتی سست ولی به ظاهر در خور تأمل از سکولاریسم به حوزه

بحث نه فقط ممکن که آسان است.

در مقابل، لائیسیتته مفهومی است که بیشترین بارش را از

سیاست برداشته است و در درجه اول ناظر است به عمل. به همین

دلیل بحثهایی که از دل آن زاده میگردد کمتر «معنایی» و بیشتر

«اجرایی» است و امکان مخدوش کردن آنها با در میان آوردن تولیدات

مشابه اسلامی کم است. در حقیقت همین وجه اجرایی روشن است

که امکان بافتن سخنان متناقض را حول مفهوم لائیسیتته کم میکند.

راجع به دموکراسی میتوان یاهو های بسیار سر هم کرد و در عالم خیال

به اسلام یا هر چیز دیگری هم پیوندش زد. همه به یاد داریم که سالها

«دموکراسی خلقی» رقیب رسمی دموکراسی لیبرال بود و در سراسر

جهان از جمله ایران طرفدارانی داشت که از آن دیگری بهترش

میشمردند. لیبرالیسم هم به همین ترتیب و تا حدی قابل سؤاستفاده

است. می بینیم که برخی از مقاله نویسان اسلامگرا گاه از اینکه شهرت

«لیبرال» هم پیدا کنند چندان گریزان نیستند تا بلکه از برکت این

«تهمت» حرفهایشان خریداری بیابد. در مورد لائیسیتته این کار از دو

مورد دیگر مشکل تر است. البته در این هر سه مورد معیاری نهایی در

کار است که به ما فرصت تشخیص سره از ناسره را میدهد. این معیار

کتاب لغت نیست نگاه به واقعیت تاریخی دموکراسی و لیبرالیسم و

لائیسیتته و مقایسه آنها با اجناس مشابه است ولی این عمل در مورد

ورنه کز فریدون و جم نامی ماند

کاوه ای باید تا خونین درفش بر فرازد

و اما مورد **فرانسه**. اکثریت غالب مردم این کشور که قرن‌ها لقب «**دختر ارشد کلیسای کاتولیک**» را یدک میکشید، پیرو این مذهب هستند و **ریشه کلیسا** در جامعه **فرانسه** هم قدیم است و هم عمیق. سردمداران انقلاب 1789 گام در راه قطع کردن **رابطه دین و دولت** گذاشتند ولی پس از روی کار آمدن ناپلئون و بخصوص بازگشت **بوربون** ها این رابطه دوباره برقرار گشت و در عمل حدود صد سال (تا **تصویب قانون مربوط به جدایی دین و دولت** در 1905) طول کشید تا بالاخره فرانسویان توانستند مشکلی را که از **انقلاب** به این طرف در راه حلش کوشیده بودند بکشایند. این کشمکش طولانی که طرفداران **دخالت مذهب در سیاست** و مخالفان آنرا در نبردی طولانی درگیر کرد، باعث گردید تا موضع مخالفت با اختلاط دین و دولت که در این کشور نام «**لایسیته**» گرفته است، قوامی بیاید که در دیگر کشورهای اروپایی ندارد و سرمشق آنهایی بشود که در اطراف و اکناف دنیا با **دخالت مذهب در سیاست مبارزه میکنند**. این نکته را هم یادآوری بکنم که ارزش کار **فرانسویان** به هیچوجه در این نیست که یکسبه راه درست را یافته اند و به دنیا عرضه اش کرده اند. در این است که برای یافتن چاره کار بسیار بیش از دیگران دچار مشکل و متقبل زحمت شده اند. همین باعث شده تا از یک طرف مسئله را از ورای بحثهای فراوان و جدلهای عقیدتی که در بینشان صورت گرفته، به صورت نسبتاً پالوده ای طرح نمایند و از طرف دیگر به دلیل تنوع موضع گیری ها و جستجوی راه حل قانونی مناسب که در طول سالیان انجام شده، **تجربیاتشان** در این زمینه فراوانتر و برای دیگران قابل استفاده تر باشد. این بار تاریخی سنگین است که وجه عملی کلمه **لایسیته** را این اندازه برجسته کرده است و در عین حال سؤاستفاده از آن را مشکل نموده.

#### دو مذهب

طبعاً نکته آخری هم هست که تابع همین **تجربیات تاریخی** است و این است که **لایسیته** در کشوری **کاتولیک** شکل گرفته است و **سکولاریسم** در کشورهای حوزه **پروتستان**. برای ایرانیان که مذهب **شیعه** در کشورشان اکثریت مطلق دارد روشی که در مورد اول به کار بسته شده قابل استفاده تر است. تفاوت اصلی **کاتولیسیسم** و **پروتستانتیسم** در **وجود و عدم مرجع اعلایی** است که رأی در امور مربوط به مذهب **قاطع و فاصل** باشد. **تمرکز اقتدار مذهبی در مذهب شیعه** به تناسب **تسنن بسیار زیاد است و تشیع**، بر خلاف آنچه که شهرت دارد، کلاً بسیار به **کاتولیسیسم** شبیه تر است تا به **پروتستانتیسم**. طرف شدن با مذهب مسلطی که اختیار اداره امور آن نسبتاً متمرکز است، بسیار مشکل تر است تا طرف بودن با چندین و

سومی سریعتر صورت میگیرد چون این کلمه بر خلاف «**سکولار**»، به کلاهبرداری تئوریک کمتر میدان می دهد و کار را زودتر به حوزه عمل و مراجعه به مثالهای عینی سوق میدهد.

#### دو ریشه تاریخی

دو کلمه **لایک** و **سکولار** به ترتیب بیشترین رواج را در زبانهای **فرانسه و انگلیسی** دارد ولی علاقه یا آشنایی بیش و کم به این دو فرهنگ برای انتخاب بین آنها دلیل خوبی نیست. باید به سابقه تاریخی این دو مفهوم در فرانسه از یکسو و انگلستان و آمریکا از طرف دیگر توجه کرد. در این هر سه کشور **تفکیک بین دین و دولت مدتهاست که عملی شده است**. در انگلستان ملکه یا پادشاه این کشور، بر خلاف آنچه که شهرت دارد **رئیس مذهبی کلیسای انگلیکن** نیست و فقط انتصاب اسقفها را بر عهده دارد و در اینجا عم مثل امور دولتی غیرمسئول است. این را هم عجلتاً متذکر بشوم که **قسم خوردن ریاست جمهور آمریکا به انجیل در قانون اساسی آن کشور پایه ای ندارد و رسمی است** که خارج از آن و محض پرطمطراق کردن **تشریفات** مربوط به تحلیف ریاست جمهور صورت میگیرد.

به هر حال تفاوت در راهی است که این سه کشور برای روشن کردن **تکلیف دین در سیاست** و رسیدن به وضعیت مطلوبی که حقوق افراد معتقد (از هر مذهبی که باشند) و غیر معتقد را محفوظ بدارد، طی کرده اند. مشکل آمریکا از ابتدا پیدا کردن راه حل برای **همزیستی مسالمت آمیز** پیروان مذاهب مختلف مسیحی و در درجه اول شاخه های **پروتستانتیسم** بوده است و از آنجا که دولت این کشور با مذهب مسلطی طرف نبوده که اکثریت مردم تابع آن باشند، کارش بیشتر صورت حکمیت داشته است. البته در بعضی موارد (مثل مورد معروف مربوط به تدریس **نظریات داروین**) موضعگیری در برابر کل مذهبیان متعصب لازم بوده است و انجام هم شده، ولی در جمع تثبیت دولت در مقام داور نهایی (نه طرف دعوا) آنرا تا حد زیادی از مقابله مستقیم با **نفوذ مذهب** بی نیاز کرده است. در مورد **انگلستان** هم بریدن از کلیسای کاتولیک به قیمت **جنگهای داخلی** بسیار سختی انجام پذیرفت و در نهایت **نه به جدایی دین و دولت بلکه به ایجاد کلیسای رسمی انگلیکن انجامید** که بنا بر تعریف تابع دولت است. این امر پسروی دین از امور دولتی را تابعی کرد از تحول دموکراتیک خود دولت **انگلستان** که طی چند قرن و به تدریج صورت پذیرفت. به عنوان مثال اشاره کنم که اجبار قسم خوردن به انجیل یا هر کتاب مقدس دیگر در هنگام ادای شهادت در برابر دادگاه از قرن نوزدهم در انگلستان ورافتاده است.

جانشینی عرضه کند. **لائسیسته** نه خود مدعی جایگزینی **مذهب** است و نه جایگزینی برای آن پیشنهاد می کند بلکه با ختم کردن درازدستی های مذهب فضایی مناسب و آزاد برای **رشد سالم** شعب مختلف **حیات انسان** فراهم می آورد و در عین حال حوزه ای را که در جامعه به **فعالیت های مذهبی** اختصاص دارد تابع قانون و صحنه آزادی می کند؛ نه می گذارد کسی تحت لوای مذهب **زور بگوید** نه کسی به این دلیل **زور بشنود**. معین کردن حوزه فعالیت دین در حقیقت کمک به پالایش آن از اموری است که اصلاً ارتباطی با تقدس ندارد و زدن این رنگ بدانها فقط اسباب **سوء استفاده گروهی معین** را فراهم می آورد. بسیار مایه تعجب است در **فرهنگی** که قرنهای دوری جستن دین از امور دنیوی و آلوده نشدنش به دنیا را یکی از شاخص های سلامت آن شمرده است، **لائسیسته** به این دلیل که مبلغ و مجری قاطع این کار است مردود شمرده شود. البته اهل مذهب بیشتر نگران آلوده شدن دین هستند ولی باید توجه داشت که در این اختلاط نابجا **دنیا** هم به همان اندازه آلوده می شود که **دین** و کسانی که توجیهشان بیشتر معطوف به دنیاست، یعنی اکثریت غالب مردم، اقلأً به همان اندازه آنها می که **دل بسته دین** هستند از حق شکایت برخوردارند.

و اما شبهه دوم که عبارت است از ترس از لطمه زدن **لائسیسته** به **اخلاق** و رواج یافتن آنچه که **بی بندوباری** می نامند. این امر هم تابعی است از همان شبهه مذهب ستیزی لائسیسته. برخی افراد **مذهب** را اصولاً مترادف **اخلاق** می گیرند و خاصیت اصلی مذهب را رواج و حفظ اخلاق در جامعه می شمردند و چون به خطا تصور می کنند لائسیسته یعنی مذهب ستیزی، آنرا سست کننده پایه اخلاق به حساب می آورند. این تصور همانقدر که رایج است **نادرست** هم هست. اخلاق اساساً با مذهب ارتباط ندارد و بخشی است از حیات انسان که مذهب از دیرباز موفق به ضمیمه کردن آن به خود شده است و به آن رنگ **تقدس** زده. این باعث شده که بعضی تا آنجا پیش بروند که نه فقط اعتقاد مذهبی به طور عام بلکه پیروی از **مذهب** خود را **مترادف تبعیت از اصول اخلاقی** بشمرند و باقی مردم دنیا را از این حوزه بیرون به حساب بیاورند. لائسیسته دست مذهب را (چنانکه از سیاست) از اخلاق نیز کوتاه می کند و بر خلاف آنچه که برخی ادعا می کنند نه فقط اخلاق مردم را سست نمی کند بلکه با این کار پایه اخلاق را تحکیم می نماید.

پیروی از اصول اخلاق بر **سه انگیزه** استوار است، به ترتیب اهمیت: **وجدان فردی**، سپس **فشار اجتماعی** و آخر از همه **ترس** از عقوبت اخروی. سهم اصلی مذهب در ترویج اخلاق همین آخری است یعنی ضعیف ترین عامل و تکیه **لائسیسته** در درجه اول به وجدان فردی است یعنی **قوی ترین ضامن رفتار اخلاقی**. اول از همه بگویم که اگر دو انگیزه اول از بین برود از آخری کار چندانی ساخته نیست. علاوه

چند دسته و گروه مذهبی که نه توان اتحاد دارند و نه امکان تمرکز. به همین دلیل **لائسیسته** که روش قاطع تری برای ممانعت از دخالت مذهب در شعب مختلف حیات انسان و بخصوص **سیاست** است، بیشتر مناسب با وضعیت ایران و ایرانیان است. دولت آینده ایران باید خودش حد و حدود تقدس را تعیین کند و نمی تواند این کار را به **اهل مذهب** واگذارد یا فرصت بدهد که مذهبیان با هم کشمکش کنند تا سر آخر به عنوان داور از هم جدایشان کند. پس زدن تشیع و اسلام از میدان سیاست و دیگر اموری که به آنها مربوط نیست شرط اولیه برقرار شدن **عدالت** در بین گرایش ها و بستگی های مذهبی گوناگون در ایران است. وقتی این کار صورت گرفت دولت خواهد توانست به ایفای نقش **داور** اکتفا کند، نه قبل از آن.

### دو شبهه

تا اینجا در مورد **محاسن** و کارآیی **لائسیسته** گفتیم، چند کلمه ای هم راجع به شبهه هایی که در باب آن وجود دارد بگوییم که بسیاری را از اعتنای به این مفهوم و کارآیی آن در میدان **مبارزه** باز داشته است و باعث شده تا نیرویی که باید دیر یا زود حول آن بسیج شود به کندی به سویش جلب گردد.

اولین آنها تصور **ضدیت لائسیسته** است با **مذهب** که از بن نادرست است. لائسیسته - درست بر عکس - محکم ترین **ضامن آزادی** مذهبی است. در جایی که دولت در امر مذهب دخالت کند و مذهبی را بر باقی مرجح بشمارد آزادی مذهبی همگان را سلب می نماید. البته تکلیف آنهایی که **تابع مذهب رسمی** نیستند روشن است و حاجت به بحث و اثبات ندارد ولی این سؤال برای برخی پیش می آید که چرا آزادی پیروان مذهب مسلط از دست می رود. از بین می رود چون آنها ناچار می گردند تا به شکل **معین** و **محدودی** از این مذهب گردن بگذارند. مثال بارز این امر **ایران امروز** است. درست است که ایرانیان غیرمسلمان از این آزادی محروم شده اند ولی مسلمانان چطور؟ روشن است که **سنیان** هم از این آزادی بهره ندارند ولی شیعیان چرا؟ در نهایت این گروه هم از آزادی مذهبی محروم است چون اعضایش ناچارند به تفسیر معینی از این مذهب گردن بگذارند. یعنی به **اسلامی سیاسی** که کاملاً مطابق با **منافع گروه حاکم** باشد و خلاصه اینکه تحت لوای اسلام از حکومت موجود حرف شنوی کامل داشته باشند. این است نهایت **اختلاط ریاست سیاسی و مذهبی** : **مقدس** شمردن اطاعت از حکام و **کفر** شمردن سرپیچی از حکم آنها.

لائسیسته، مذهب ستیز نیست فقط روش قاطعی است برای **کوتاه** کردن دست مذهب از چیزهایی که بر آنها **حقی** ندارد و در رأس همه سیاست. مکتبی می تواند مذهب ستیز باشد که برای مذهب

هستیم، این کلمه بیگانه را که ساخته **ترکان عثمانی** بود، به ایران آوردند و از آن شعار اصلی **انقلابی** را ساختند که ایران را به راه تجدد انداخت. **لائسیسته امروز** همان نقشی را بازی می کند که **مشروطه دیروز**. یکی تاریخ ایران را به سیر جهانگیر **تجدد** پیوند زد، دیگری فرصت تجدید عهد با تجدد را برای آنها فراهم خواهد آورد. یکی بر **استبداد کهن** نقطه پایان نهاد، دیگری عمر استبداد کهن نما را ختم خواهد کرد. یکی گام اول در راه دستیابی به **نظام سیاسی مطلوب** بود، باشد که دومی **گام نهایی** این راه بشود.

## تحریم نمایش انتخابات

### سازمان زنان مبارز ایرانزمین



زنان مبارز ایرانزمین هرگونه **نمایش انتخابات** در حکومت **زن ستیز و ضد ایرانی** ملایان در ایران را تحریم می کند. همانگونه که می دانید حکومت ننگین و تروریست اسلامی در ایران، تاکنون از هیچگونه ظلم و

ستم، شکنجه و **کشتار آزادیخواهان** برای بقای خود فروگذار نبوده است. حکومت ستمگر و مستبد اسلامی در مدت نزدیک به سه دهه همواره **زن ستیزی و اجحاف در حق زنان** را سرلوحه اعمال ننگین خود قرار داده است.

از ابتدای حیات کثیف این عناصر **ضد بشری و ضد آزادی** در ایران، زنان ایرانزمین مبارزات خود را برای رسیدن به مطالبات برحقشان، از جمله **تحقق حقوق دموکراتیک مساوی با مردان**، همواره ادامه داده اند. در این روند مبارزاتی برای ستاندن حق، نه تنها زنان به حقوق و آزادی های دموکراتیک خود نرسیده اند بلکه مردها و بطور کلی همه مردم ایران روز به روز بیشتر **خفقان اجتماعی و فقر** روزافزون اقتصادی غوطه ور شده اند و روز به روز بیشتر در **باتلاق نیستی** فرو می روند. **سرکوب ندای حق طلبان** زنان و مردان، ایجاد رعب و وحشت در جامعه برای خفقان هرچه بیشتر، دیگر نمی تواند هراسی در دل **شیرزنان مبارز ایرانزمین** وارد آورد. ما تجربه کرده ایم که آزادی و دموکراسی با حکومت تئوکرات ضد ایرانی در تضاد می باشد و پس از تجربه های گوناگون ما وارد مبارزه عملی و درگیری مستقیم با حکومت دزد و آدمکش اسلامی می شویم و اولین گام، **تحریم نمایش انتخابات** آنان می باشد. حکومت متزور اسلامی با نمایش انتخابات

بر این، تکیه یک جانبه بر این آخری آن دو دیگر را از پایه **سست** می کند و به جای تربیت وجدان فردی و اهمیت بخشیدن به حفظ **آبروی اجتماعی**، مردم را از **مجازاتی** می ترساند که دیر و دور است و می شود بر سرش با اهل مذهب و از ورای آنها با خدا، هزار چانه زد. بد نکردن از **ترس خدا** شایسته آدمی نیست که وجدان دارد و آن کسی تیشه به ریشه اخلاق می زند که هول آخرت را جایگزین وجدان می کند.

وضعیت **فعلی** جامعه **ایران** به بهترین شکل نشان می دهد که **تقویت یک جانبه** عنصر مذهب چگونه **اسباب سستی اخلاق** را فراهم می آورد. هر کس در ایران هنوز مذهب را پایه اصلی اخلاق می شمرد کافی است نگاهی به وضعیت جامعه و از جمله رفتار **روحانیان** ببیند تا ببیند ارتباط این دو از چه قماش است. همین اوهام مربوط به مترادف بودن **مذهب و اخلاق** بود که بسیاری از ایرانیان را که طالب زدودن فساد از دستگاه حکومت بودند به دنبال **خمینی** و شعار **«حکومت اسلامی»** او کشاند و باعث شد تا در عمل همت و زحمت و فداکاری هایشان منتهی به روی کار آوردن فاسدترین نظامی شود که ایران معاصر به خود دیده است. **نظام اسلامی** هم که مثل هر حکومت فاسد، برای دوام آوردن محتاج جامعه فاسد است از بدو تولد جامعه ایران را روز به روز بیشتر به سوی فساد سوق داده است.

### بسیج نیرو

آخرین **حسن** شعار **لائسیسته** توانش در **بسیج نیرو** است. این توان هنوز از قوه به فعل نیامده است، به دو رشته دلیل. یکی آشنایی محدود مردم ایران با این مفهوم، با بار تاریخی و با توانش برای ختم کردن **عمر حکومت اسلامی**؛ دیگر تصورات نابجایی که در باب آن در گوشه و کنار پیدا شده و صرفه حکومت هم در پراکندن آنهاست، تصوراتی از همان قماش که از نظر گذرانندیم.

این هر دو عامل **گذراست** و به همان تناسب که آن آشنایی حاصل و این توهومات زوده شود از عمر حکومت اسلامی کاسته خواهد شد. **لائسیسته** مثل هر اندیشه و فکر نوی یکسره و بی مقاومت راه خود را باز نمی کند ولی مثل هر **فکر منطقی** و هر **چاره لازم** بالاخره این راه را باز می کند. مسئله در این است که هر چه آگاهی مردم به کارایی این مفهوم **سریع تر** صورت بگیرد رهایی خودشان از چنگ حکومت اسلامی زودتر انجام خواهد گرفت.

در ابتدای قرن گذشته عبارت **«مشروطه»** که ای بسا بیش از لائسیسته امروز برای مردم ایران **ناآشنا** می نمود بیان **آزادیخواهی** آنان گشت و به آنها فرصت داد تا نه تنها بر استبداد **قاجار** بلکه بر نظام قدیم کشورداری ایران نقطه پایان بنهند. صاحب فکران آن دوران که ما انقلاب مشروطیت را مدیون وطن خواهی و نواندیشی و شجاعت آنها

از هم پاشیده و در حال نابودی است که در طول تاریخ صدها سال گذشته، نمی توان **نظیری** برای آن ارائه داد، **تزلزل** و **بی ثباتی**، در تمام سطوح این حکومت **ضد ملی** و **ضد ایرانی**، به چشم می خورد.

محصول انقلاب اسلامی که وضعیت کنونی ایران باشد کاملاً نمایان شده، ترفندها، حيله گری ها، حقه بازی ها و سیاست بازی های مزورانه مشتی **روضه خوان بی سواد** و عامی و نادان اهل عامه، در طول سی سال اخیر برای برجا ماندن رژیم پوسیده و قرون وسطائی، سرانجام دست دغلكاران، شیادان و **دلان دین و مذهب** را رو کرد و دیگر نمایش و تئاتری باقی نمانده که بتوان با تمسک به آن، **مردم بیدار** و هوشیار ایران را فریفت و با صحنه سازی ها و ایجاد هیجان های کاذب، مهره های سوخته و عوام فریب را از گوشه و کنار، وارد صحنه های نمایش دیگر کرد و عمر منحوس و درمانده **حکومت جبار اسلامی** را طولانی تر نمود، بهانه های مسخره و مضحک مبارزه با استکبار جهانی و مقابله با **آمریکا** و **صهیونیسم** هم در میان مردم کاربردی ندارد و در سالهای اخیر مردم هوشمند ایران بخوبی دریافته اند که در پشت شعارهای فرسوده مبارزه با آمریکا و استکبار جهانی چگونه دم خروس از زیر عبای مدعیان دروغگوی مبارزه با آمریکا و صهیونیسم!! سر درآورده است.

**حکومت ملعون اسلامی** نه تنها در صحنه های سیاست خارجی بلکه در میان مردم نیز بطور بی سابقه ای **منزوی** شده است و امروز رژیم حاکم بر ایران با خیل عظیم مردم **ناراضی** و به خشم آمده روبروست و تصور می کند می تواند برای ادامه بقای خود رویاروی مردم بایستد و تاب آورد، **اصلاحات** و اصلاح طلبی هم در رژیمی که سراسر وجودش پر از فساد و تباهی و نادانی است به شکست انجامید و راه بجائی نبرد و همه کسانی که دل به اصلاحات در درون رژیم بسته بودند به این نتیجه رسیدند که اصلاحات یک **نظام مستبد** و **دیکتاتوری** ولایت مطلقه، ناممکن است و هم اکنون خواهان براندازی تمامیت حکومت هستند.

**بحرانهای مصنوعی** و درآوردن یک مهره دیگر و یک چهره تازه برای فریب مردم و **ساده اندیشان** هم به بن بست رسیده است و به همین جهت حکومت منزوی و منفور در میان مردم، برای رهائی از بن بست دست به **خشونت** می زند و حتی با چهره هائی که خود آفریننده انقلاب و مؤمن به حکومت اسلامی بوده اند که هستند با خشونت رفتار می کند، ولی حالت رکود و **خداحافظی با انقلاب** اسلامی فرا رسیده است، و انقلاب هم وقتی به حالت رکود رسید، سرنوشتی جز مدفون شدن در قبرستان تاریخ ندارد.

می خواهد در جهان آبروی هرگز نداشته خود را در جهان بدست آورد نیز نشان دهد که مردم ایران به آن **مشروعیت** می دهند.

ما **زنان ایرانزمین** اکنون نخستین گام **براندازی** را تحریم **نمایش انتخابات** می دانیم و از همه مردم غیور ایرانزمین می خواهیم که همگام با ما برای آزادی ایران، با عدم حضور خود در مقابل صندوق های انتخاباتی، زمینه **نابودی حکومت اسلامی** را فراهم سازند. با این حرکت، آخوندهای آدمکش و دیگر **متحجران** حکومتی را در دنیا بی اعتبار خواهند شد و موقعیت ابلیسی شان را در جهان از دست خواهند داد. گام دوم، درگیری روزافزون با **حکومت ضد ایرانی اسلامی** است و در این روند مبارزات انقلابی همه جانبه در جهت **براندازی** آنان شدت خواهد گرفت و آن زمان است که ملت ایران می تواند آنان را برای همیشه در جایگاه حقیقی شان که همانا **زباله دان تاریخ** است، سرنگون کند.

سازمان زنان مبارز ایرانزمین

بهمن ماه ۱۳۸۶

## مرگ بر انقلاب اسلامی، سلام بر آزادی



متأسفانه کشور ما در طول سالهای اخیر و پس از انقلاب **خونبار** و **قرون وسطائی** که با پسوند **اسلامی** نیز همراه بود، در جا نزده است، بلکه مرتب **عقب گرد** داشته و نمونه های این عقب گرد و قهقرا را می توان بخوبی مشاهده و احساس کرد.

وضع کشور هر روز خراب تر از روز قبل می شود، بحران ها و فسادها و خرابی ها حالت شتاب آمیز هم بخود گرفته است، **سیاست های خارجی**، به دلیل **منافع اقتصادی** و همچنین به رغم تمام تلاش ها و حيله گری های ملایان حاکم، پس از حرکت به اصطلاح اصلاح طلبانه **خاتمی** و انتخاب **احمدی نژاد** و سقوط اجتماعی و اقتصادی ایران بیش از پیش، نه تنها تغییری پیدا نکرده بلکه بدتر هم شده است و به دلیل امتیاز دادن ها به جهانخواران و **چپاولگران بین المللی**، ایران همچنان در **خفقان مطلق** گرفتار است و وضع اقتصادی و اجتماعی کنونی هم، چنان

ورنه کز فریدون و جم نامی ماند

کاوه ای باید تا خونین درفش برافزارد

## تحریم انتصابات حکومتی حزب سوسیال ناسیونالیست ایران



در سال ۱۳۵۹ که حکومت

اسلامی در پرتگاه نابودی قرار داشت و بحران های داخلی سرنگونی حکام استثمارگر مذهبی را نوید می داد، حکومت اسلامی با تزویر و ریا و بدون اندیشیدن به منافع توده ها

متوسل به جنگ ایران و عراق شد و با از

میان برداشتن نیروهای دمکراتیک جامعه، به بقای ننگین خود استمرار بخشید.

**تجربه** نزدیک به سه دهه حکومت متحجر استثمارگر مذهبی در یک روند امپریالیستی وحشی، دزد و قاتل، دسترنج کارگران، کشاورزان و زحمتکشان ایران را به تاراج برد و نشان داد این دشمن داخلی با دشمنان خارجی فرق چندانی ندارد و نیروهای میهن پرست و تعدادی از نیروهای دمکراتیک چپ در نتیجه دنباله روی از رژیم حاکم زیر شعار «دفاع از میهن» نتیجه ای جز استمرار و تحکیم طبقه استثمارگر مذهبی و امتداد دیکتاتوری و نابودی خلق ها و زحمتکشان در ایران نداشت.

امروز **حزب سوسیال ناسیونالیست ایران** از وقایع ۱۳۶۰ درس آموخته است و سعی در این دارد که دیگر اشتباه نکند. واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ یکی از مهمترین رخدادهای سیاسی - اجتماعی و حق طلبانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که چهره کریه و استثمارگر امپریالیسم وحشی حکومتی را هویدا ساخت. حرکت جنگل و مبارزه قهرمانانه سربداران نشان داد که **نیروی چپ پیشرو** همواره در مسیر دمکراسی و منافع خلق های ایرانی از هیچ حماسه آفرینی دریغ نورزیده است.

اکنون که شورای براندازی وارد مرحله عملیاتی گشته است، ما با پیوند با جنبش براندازی حق طلبانه و دمکراتیک ملت ایران در عملیات ضربه زدن و نابود کردن حکومت اسلامی شرکت خواهیم جست و مبارزه تا براندازی را ادامه خواهیم داد.

در روند تزلزل روزافزون حکومت اسلامی در محافل بین المللی، ما از کارگران، کشاورزان، زحمتکشان و در کل از همه خلق های ایرانی می خواهیم که برای نابودی هرچه زودتر طبقه استثمارگر متحجر مذهبی، نه تنها در انتخابات شرکت نکنند بلکه مبارزه مثبت و رویارویی و جنگ علیه استثمارگران دیکتاتور

در چین هم «مائوتسه تونگ» با انقلاب فرهنگی خود با کشتن و شکنجه دادن و ویران کردن نتیجه ای حاصل نکرد و همچنین «فیدل کاسترو» هم در کوبا با بحرانهای مصنوعی نتیجه ای نگرفت و «کیم ایل سونگ» در کره شمالی هم که رکورددار بحرانهای مصنوعی بود کشور را به تباهی سوق داد، یک مملکت گرسنه و بیچاره و درمانده و مردمی، هستی از دست داده بر جای گذاشت.

دوران رکود انقلاب کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی سابق که طول هم کشید و از نخست وزیری مالنکوف و خروشچف تا برژنف ادامه یافت دست آوردی جز نکبت و بدبختی و فقر به بار نیاورد و وضع کنونی روسیه نتایج همان دوران رکود است. در ایران آفت زده ما هم دوران رکود سیاسی-اقتصادی و فرهنگی از سی سال پیش شروع شده و همچنان ادامه دارد و به همین دلیل سرانجام شیرازه کشور از هم گسیخته خواهد شد و با تضعیف حکومت مرکزی، نیروهای گریز از مرکز بکار خواهند افتاد و کشور را به مخاطرات هولناک دچار خواهند کرد، باید برای رهایی از این حالت همه دست به دست هم دهیم و ریشه های این حکومت اصلاح ناپذیر و ضد ایرانی را بخشکانیم و اجازه ندهیم که بار دیگر، به بهانه های دیگر مهره ای در نمک خوابانده و یا چهره ای عوام پسند با وعده های به ظاهر دل خوش کننده از درون یک نظام فاسد بیرون آید و چند گاهی بر عمر حکومت تبهکار و ضد انسانی بیفزاید، باید پایه های رژیم را با همبستگی و اتحاد خود و با کمک نیروهای جوان دلاور و حرکت مستقل آزادی خواهان، فرو ریزیم و نظامی را که متکی بر هویت و فرهنگ و تاریخ ما و بر اساس رفاه و عدالت اجتماعی و همچنین جامعه ای دمکراتیک باشد، مستقر سازیم و حاکمیت مردم را با تشکیل دولتی منتخب و مجلسی که نمایندگان آن برگزیده واقعی ملت باشند قوام بخشیم.

باید حکومت اسلامی را برانداخت و ایران آزاد، آباد و سرافراز فردا را با نابود کردن آثار و بقایای نکبت بار برجای مانده حکومت شیاطین مذهبی، دوباره ساخت.

پاینده ایران

دکتر آرمان نوری

بهمن ماه ۳۷۴۵ جمشیدی

ما از ابتدا بیان کردیم و باز هم می‌گوییم که **حکومت جبار اسلامی** از ابتدا از نظر **کمیت** عنصری **تجزیه ناپذیر** و از نظر **کیفیت** متزور، **دزد** و **قاتل** می‌باشد. این وصف حال **دو عنصر** پلید حکومتی با **تضاد کاذب** که به **اصلاح طلبان** و **اقتدارگرایان** (اصولگرایان) معروف شده‌اند، می‌باشد. این **دو عنصر** پلید حکومتی با حمایت تبلیغات **استعمار جهانی** و **مزدوران** آنان همواره مردم ایران را **اغفال** نموده‌اند و در مسیر **استمرار حاکمیت ملایان** و **شبه ملایان** دزد و آدمکش از هیچ **خیانت** و **جنایتی** علیه مردم ایران فروگذار نبوده‌اند. این دو عنصر پلید حکومتی با حمایت **استعمار جهانی** و **مزدورانشان** و همچنین **ستون پنجم** آنها در **اپوزیسیون**، به مدت **سه دهه** مردم ایران را فریب داده و زندگی فرزندان ایرانزمین را به **جهنمی** روزانه تبدیل نموده‌اند.

مردم ایران شاهد آن بودند که چگونه **اصلاح طلب** و **اقتدارگر** هر زمان که منافع آنان ایجاب می‌کرد، دوش به دوش هم علیه آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی و همچنین سرافرازی فرزندان ایرانزمین به **ضرب** و **شتم** و **شکنجه** و **کشتار** مردم ایران متوصل شدند و **اصلاح طلبان** چگونه با بی‌آبرویی و خجالت‌ظاهری به نفع **اقتدارگرایان** حکومتی عقب نشینی کردند و بارها دیدیم که دم خروس از عبای گشاد ملایان بیرون آمده است. بسی جای تعجب و تأسف است که عده‌ای به نام سخن پرداز و روشنفکر ولی در حقیقت **قلم به مزد** در خارج و داخل ایران هنوز از **جنبش اصلاح طلبی** صحبت به میان می‌آورند. آنان **ابلهانی** هستند که همواره در تاریکی خواهند ماند.

**من آرمان نوری** به آنها **هشدار** می‌دهم که اگر تغییر روش ندهند پس از **براندازی** و **رهایی** ملت ایران از چنگال خون آلود **شیاطین مذهبی حکومتی**، به عذاب خشم ملت ایران گرفتار خواهند شد و **آینده‌ای تاریک** و **تار** خواهند داشت.

اکنون ملت ایران آگاه می‌باشد و همگام با **سازمان پارس و شورای براندازی مبارزه را تا براندازی** این احشام مذهبی حکومتی آغاز کرده است. ملت ایران دریافته است که **حکومت پلید اسلامی** نه تنها هرگز برای امنیت، منافع، سرافرازی، آزادی و رفاه اجتماعی و بهروزی مردم ایران اقدامی نکرده است، بلکه **خفقان**، **فقر**، **شکنجه**، **ارتشاء** و **سرافکندگی** را برای فرزندان ایرانزمین به ارمغان آورده است و همواره **تمامیت ارضی** و **استقلال ملی** را به خطر انداخته است. حکومت جبار اسلامی و عناصر پلید آن خواه **اصلاح طلب** و خواه **اقتدارگر** هدفی بالاتر از آنچه که بیان شد دارند و آن **چپاول هرچه بیشتر سرمایه و ثروت**

**مذهبی را آغاز نموده و شعار مبارزه تا براندازی را فراموش نکنند.** ما اکنون درگیر یک **مبارزه جدی** تا به آخر و **آشتی ناپذیر** با **حکومت ضد خلقی** هستیم. **خلق های مبارز ایران بدانند که ایستادگی و رزم در برابر شرایط سخت و استقامت در بحران های طاقت فرسا، شرط اول پیروزی می باشد.**

همگام با حزب سوسیال ناسیونالیست ایران شویم!

## سناریوی اصلاح طلبی و اقتدارگرایی



**سازمان پارس و شورای براندازی نخستین** تشکیلاتی بود که **یگانه** بودن عناصر و **مزدوران** حکومت اسلامی با ظواهر مختلف ولی درنهایت **یک رنگ** و **همسو** را اعلام داشت. **سناریوی دوگانگی** حکومت و دلایل تبلیغاتی آن از جانب رادیوها و جراید داخلی و خارجی و همچنین **قلم به مزدان** و عناصر مزدور حکومتی بارها توسط این سازمان برملا شده است. **چگونگی اغفال** مردم ایران و به **بیراهه** کشاندن **جنبش واقعی** مردم که همان **براندازی** بوده است، از ابتدا در نوشتارهای گوناگون **سازمان پارس و شورای براندازی** در دسترس مردم ایران قرار گرفته است ولی به دلیل تبلیغات منفی همه رادیوها و تلویزیون ها و جراید داخلی و خارجی در روند **استمرار** حکومت اسلامی، **افشاگری** ها و فریادهای میهن پرستانه مسئولان سازمان پارس و شورای **براندازی** نتوانسته بود تاکنون ملت ایران را متقاعد نماید.

نخواهند داشت. **هشدار** و **اخطار** من به آن دسته از کسانی می باشد که به مدت **سه دهه** آب به آسیاب دشمنان ایرانزمین ریخته اند و گهی بر نعل و گهی بر میخ زده اند.

**خیانت** و **مزدوری** و عملکرد علیه منافع ایران و **فرزندان ایرانزمین** بس است! تا دیر نشده است همراه و در کنار **جنبش مردم ایران** برای **براندازی** حکومت اسلامی قرار گیرید. اکنون **فرزندان غیور** و سلحشور و مبارز ایرانزمین عزم راسخ خود را برای نابودی حکومت اسلامی و حامیان آنها گرفته اند و به زودی همه آنان را به جزای اعمالشان خواهند رسانید. روز **قیام ملی** و مرگ حکومت پلید و **نکبت** بار اسلامی نزدیک است.

پاینده ایران

بهمن ماه ۳۷۴۵ جمشیدی

دکتر آرمان نوری

## تحریم انتخابات

### توسط دانشجویان مبارز ایرانزمین



**دانشجویان مبارز ایرانزمین، نبرد تا پیروزی ملت ایران علیه دستاربندها را آغاز نموده است و تا نابودی کامل اشرار و قاتلان حاکم بر ایران، این روند مبارزاتی بطور عملی ادامه دارد. مردم آزادیخواه ایران، مسلم است که پس از نزدیک به سی سال تجربه با این حکومت وحشی اسلامی دیکتاتور در ایران، شرایطی بوجود آمده است که به غیر از براندازی و نابودی کامل این حکومت دیکتاتور و جانی، راهی باقی نمانده است.**

تا زمانی که این حکومت ضد ایران و ایرانی حاکم بر **فرزندان ایرانزمین** باشد مردم ایران روز خوش را به چشم نخواهند دید. اکنون که همه مردم ایران در اندیشه و راستای **مبارزه** برای

این **مرز پرگهر** می باشد و در این روند از هر **جنایتی** علیه فرزندان ایرانزمین رویگردان نمی باشند و از طرف دیگر با باج دادن هرچه بیشتر به سیاست های استعمارگر جهانی، برای بقای نکبت بار خود در تلاشند.

ملت ایران شاهد **قطع نفت و گاز** در سرمای طاقت فرسای زمستانی بود. کشوری که **پنجمین** صادرکننده نفت جهان و **دومین** صادرکننده گاز در دنیا می باشد، کمبود نفت و گاز جز **خیانت و ددمنشی** و عملکرد ضد ایران و ایرانی این حکومت پلید، چیز دیگری نیست. حکومت عناصری مضاعف چون **اصلاح طلب** و **اقتدارگرا** همواره از راه ایجاد **رعب و وحشت** و همچنین از طریق فقر اقتصادی در جامعه، خواسته اند ملت ایران را در **فضای تردید** و **ناامیدی** قرار دهند. آنان از طریق زندانی کردن، شکنجه دادن، قطع دست و پا، درآوردن چشم، سنگسار، پرتاب از ارتفاع و اعدام و **کشتار فرزندان ایرانزمین**، به مدت **سه دهه** حکومت خود را استمرار بخشیده اند و در کنار خیانت مزدوران و عناصر **ستون پنجم حکومتی** در اپوزیسیون و رادیوها و تلویزیون های داخلی و خارجی به این استمرار همواره جان تازه بخشیده است.

اکنون ملت به جان آمده ایران فریاد سر می دهد بس است! اکنون **فرزندان ایرانزمین** دیگر فریب دشمنان ایرانزمین را با ظواهر گوناگون نمی خورد و به سویی که سخن پردازان، قلم به مزدان و به اصطلاح روشنفکران سیاسی **مزدور** ترسیم کرده اند گام بر نمی دارند. ملت ایران، فقط یک هدف و استراتژی را دنبال می کنند و آن **مبارزه تا براندازی** و نابودی حکومت پلید و غیرانسانی اسلامی در ایران می باشد. ملت ایران می داند که شرکت در **انتخابات** یا بهتر بگوییم **انتصابات** حکومتی برابر با **خیانت** به **میهن اهورایی** و نسل های آینده ایران می باشد. **فرزندان ایرانزمین** دگر بار اشتباه نخواهند کرد. ملت ایران تاکنون بهای گزافی برای رسیدن به تجربه امروزی پرداخته است و باید بگوییم که **آزموده را آزمودن خطاست.**

**من آرمان نوری** به همه آنانی که در مسیر مسائل سیاسی - اجتماعی سخن پراکنی نموده و قلم می زند **هشدار** می دهم، اشتباهات در این لحظات حساس و سرنوشت ساز از تاریخ میهنمان ایران، دیگر **بخشودنی** نیست. کسانی که از **براندازی** حکومت پلید و شیطانی اسلامی و **رهبری شورای براندازی** حمایت نکنند، از عناصر **خائن** به فرزندان ایرانزمین و میهن اهورایی شمرده خواهند شد. در فردای پیروزی **قیام ملی** مردم ایران که برای رسیدن به **آزادی، آبادی و سرافرازی** و در کل **بهزیستی** می باشد، جوابگو خواهند بود و بدانند که روزگار خوشی

ورنه کز فریدون و جم نامی نماند

کاوه ای باید تا خونین درفش بر فرزند

## انتخابات در مزرعه حیوانات ولایت مطلقه



علی اصغر حاج سید جوادی

ژانویه ۲۰۰۸

## خانه از پای بست ویران است

هشتمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی در پیش است، شاید این سابقه ازحافظه طرفداران شرکت در انتخابات محو نشده باشد آنجا که آقای خاتمی مبشراستقرار جامعه مدنی و حاکمیت قانون با تکیه بر متجاوز از بیست میلیون رأی مردم در مسند ریاست جمهوری نشست و کرسی های نمایندگی مجلس را با اکثریت، طرفداران اصلاحات اشغال کردند؛ اولین گام خفیف دولت اصلاحات با تقدیم لایحه اصلاح قانون مطبوعات برای شورتصویب نمایندگان اصلاح طلب با فرمان مقام معظم رهبری خطاب به مجلس شورای اسلامی درجای خود میخکوب شد و همین جناب کروبی در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی با قرائت فرمان و درمقابله با عکس العمل احتمالی نمایندگان اصلاح طلب درمقام ریاست گفت: « این حکم حکومتی است نه اولین آنست و نه آخرین آن ».

آقای کروبی ازفقه های اولین نظام ولایت مطلقه فقیه و از اعضای اولین مجلس خبرگان که پایه گذار دین ولایت بود درابلاغ این پیام زیرعنوان « حکم حکومتی » ازمرز قانونی منحرف نشده بود ومقام معظم رهبری هم با صدور این فرمان خطاب به مجلس شورای اسلامی، ازمقام خود درممانعت از طرح لایحه اصلاح قانون مطبوعات سوء استفاده نکرده بود زیرا در قانون اساسی نظام سیاسی حاکم برایران که قالب آن جمهوری اسلامی ومحتوی و مضمون آن ولایت مطلقه فقیه است؛ اصل تفکیک قوا وجود ندارد به عبارت دیگر درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ جمهوری درمفهومی که به اصل حاکمیت ملی و حکومت قانونی تعبیر میشود باتهی شدن ازذات خود به قالب یا ویتترین فریبنده اسلامیت نظام سیاسی تبدیل می شود. چون که در صریحترین اصل از اصول متعدد مربوط به حاکمیت ولایت مطلقه فقیه یعنی اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ تابعیت قوای حاکم برکشورعدم استقلال آنها درمقابل مقام رهبری تصریح شده است.

براندازی این حکومت ضد مردمی قرار گرفته اند، می بایست در روند اتخاذ به موقع تاکتیک ها، سرنگونی و نابودی حکومت اسلامی را سرعت بخشند. اتحاد و همبستگی ملی در تاکتیک های براندازی در این زمان حساس، اساس پیروزی بر دشمنان آزادی و آبادی ایران است.

ما مردم ایران می بایست با عملکردهای قهرمانانه خود علیه حکومت اسلامی و استعمارگران جهانی حامیان آنها، آزادی و حقوق انسانی خود را باز پس بگیریم و شعار مبارزه تا براندازی را از یاد مبریم.

بیاییم برای احقاق حقوق و آزادی های پایمال شده و حیثیت بر باد رفته سی ساله خود و در نتیجه زمینه سازی براندازی حکومت ددمنش اسلامی از رفتن به پای صندوق های رأی خودداری نماییم و خود و فرزندان خود را از بی فردایی و فرو رفتن بیشتر در منجلاب بدبختی و حقارت نجات دهیم.

## تحریم انتخابات نخستین گام در براندازی این حکومت

دست نشانده بیگانه می باشد. غیبت همه مردم ایران در پای صندوق های رأی باعث بی اعتبار ساختن حکومت اسلامی در فضای بین المللی می شود، با این حرکت ثابت خواهد شد که مردم ایران خواهان براندازی و نابودی این حکومت تروریستی و ضد ایرانی می باشند.

مردم ایران، آگاه باشید که تا زمانی که سیاست های استعمار جهانی از این حکومت دست نشانده و ضد ایرانی پشتیبانی و حمایت می کنند، براندازی آن مشکل خواهد بود. هم اکنون ما مردم ایران با تحریم همه جانبه انتخابات نمایشی این حکومت پلید اسلامی می توانیم سیاست های جهانی را مجبور نماییم که برای حفظ منافع اقتصادی خویش دیگر بار از این حکومت دزد و قاتل حمایت نکنند و آن زمان است که براندازی با اتحاد و همبستگی همه اقشار مردم با رهنمودهای شورای براندازی به راحتی صورت می گیرد.

ما دانشجویان مبارز ایرانزمین سوگند یاد می کنیم که تا براندازی کامل این حکومت ضد ایران و ایرانی دمی آرام ننشینیم.

پاینده ایران

سازمان دانشجویان مبارز ایرانزمین  
www.daneshjooyan-mobarez.com

امت است. (طبق اصل پنجم) بنابراین با تکیه به همین وظیفه که در الهیات تشیع برعهده امام معصوم است، رهبر غیرمنتخب و غیر مسئول در برابر مردم است اما در مقام **ولایت مطلقه** امروامامت امت طبق اصل ۵۷ **در رأس سه قوه و سه نهاد اساسی حکومت بر مردم و حاکمیت بر سرنوشته کشور قرار می گیرد.**

در نظریه **منتسکیو** اصل تفکیک قوا؛ یعنی سه قوه **مقتنه** و **اجرائیه** و **قضائیه** مبتنی بر **جدائی** و **استقلال** به صورت فقدان رابطه بین آنها نیست، بلکه نظر او بر تقسیم و توزیع قدرت بین سه قوه است که به وابستگی آنها به یکدیگر منتهی می شود.

**کلود نیکوله** مورخ معاصر فرانسوی در زمینه وابستگی سه قوه با یکدیگر می گوید: «**درسیستمی که در آن هر یک از قوای سه گانه بخشی از قدرت را در اختیار دارند؛ اما از جهت اعمان آن به هر یک از قوا به دوقوه دیگر وابسته است.**»

در این نظریه اصل بر این است که قدرت و اعمال آن در امر عمومی به مردم تعلق دارد؛ اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی **قدرت** یا **حق حکومت** و اداره جامعه از تشریح و قضاوت و اجرای احکام، طبق **اصل پنجم** از قانون اساسی به **امام عصر** و در غیبت امام معصوم به فقیه جامع شرایط محول می شود. **اولین تناقضی** که در همین اصل پنجم به چشم می خورد **تفویض امر حکومت** و **رهبری** جامعه از امام معصوم به فرد غیر معصوم است، امام معصوم در الهیات تشیع مبرای از **گناه** و **اشتباه** و **خطاست**، اما فقیه جز اطلاع از احکام شریعت؛ فردی عادی از میلیونها افراد بشری است که هیچ عاملی جز قانون بشری مانع تجاوز او به حق دیگران از زندگی نمی شود؛ **دومین تضاد فاحش** در **اصل پنجم** قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ اولاً عدم امکان **اثبات عقلی** وجود امام معصوم است که صدها سال از غیبت اومی گذرد و ثانیاً عدم امکان اثبات اعتبار برای ولایت و امامتی است که بر هیچ دلیلی کتبی یا شفاهی مبنی بر اعطای حق امامت و امر حکومت از سوی امام معصوم به فقیه غیر معصوم متکی نمی باشد.

اما پایه های نظری و به اصطلاح «**تئوریک**» جمهوری اسلامی قبل از **اصل پنجم** از قانون اساسی؛ در اصل **دوم** از این قانون ساخته می شود طبق **اصل دوم**؛ ایمان «**به خدا و اختصاص حاکمیت تشریح به او ولزوم تسلیم در برابر امر او**» به جای **عقل** و **خرد** بشری می نشیند؛ اما برای گروهی که به **زعامت** و **حمایت خمینی** از قبل در کار نشان دادن **اصل زور به نام ایمان به خدا** برمسند حکومت و حاکمیت بودند، آنچه که در اصل **دوم** مورد نظر آنها بود اختصاص حاکمیت و تشریح به خدا نبود بلکه انتقال اختصاص حاکمیت و تشریح از **خدای نامرئی** به **خداگان مرئی** بود که در بند **پنجم** و **تبصره الف** از بند **ششم** از **اصل دوم** قانون اساسی جمهوری اسلامی ثبت و ضبط شده است.

**اصل پنجاه و هفتم** از قانون اساسی جمهوری اسلامی: «**قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امروامامت است بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.**»

تأمل در این اصل گذشته از آن که فقدان استقلال قوای حاکم بر کشور را مسجل می کند؛ بلکه رابطه ضروری و منطقی این **سه قوا** را که شیرازه تعادل و هماهنگی و استواری هر نظام ناشی از **حاکمیت مردمی** است **منتفی** میسازد. به عبارت دیگر الفای محیلا نه ترکیب «**جمهوری اسلامی**» به عنوان دویعد مساوی در قالب یک نظام سیاسی با اقتدار و اختیار برابر و متعادل، **دروغ فاحش و ترکیبی ساختگی و عوامفریبانه است.**

در تاریخ معاصر جهان از این نوع **ترکیبات ساختگی و عاری از محتوا** و در ضمن متضاد و **متناقض** با یکدیگر فراوان از کارخانه **عوامفریبی** قدرت طلبان **انحصارگرا** برچسب های مختلف انسان دوستی انقلابی صادر شده است؛ نمونه اعلامی آن **روسیه تزاری** پس از **انقلاب اکتبر ۱۹۱۷** است که به اتحاد جماهیر شوروی **سوسیالیستی** تبدیل شد اما پس از هفتاد و اندی سال وقتی پرده از پیکر این عنوان **عوامفریبانه** برداشته شد؛ برجهانیان آشکار شد که آنچه که در این قالب پر زرق و برق وجود نداشت؛ همان محتوای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود چونکه **نه اتحاد** آن داوطلبانه بود و **نه جمهوری** آن **دموکراتیک** بود و **نه شورائی** آن از محدوده دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست تجاوز میکرد و **سوسیالیستی** نبود زیرا که اقتصاد دولتی بود. از این جمله اند عناوین جمهوری آئی که پس از جنگ دوم جهانی به وسیله روسیه شوروی به پشت پرده **آهنین** کشیده شدند و تعداد کشورهایی در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین نظیر **کوبا** و **ویتنام** و **کره شمالی** و **چین**. که همه به زینت **جمهوری خلق دموکراتیک** مزین شده بودند. متأسفانه مضمون واقعی گنجانده شده درصد و هفتاد و شش **اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی** هرگز در معرض بحث و تحلیل اصحاب نظر در نشریات و وسایل ارتباط جمعی عموماً و در کلاسهای درس حقوق اساسی دانشکده های حقوق مملکت خصوصاً قرار نگرفته است؛ هنوز قاطبه توده های جامعه ایرانی اطلاع ندارند که در **قانون اساسی جمهوری اسلامی، انسان ایرانی دارای هویت شهروندی نیست** بلکه رأسی از میلیونها رأس **گوسفندان** یک گله است؛ تنها تحلیل دقیق همین اصل ۵۷ گذشته از دهها اصول دیگر این قانون کافی است که بر مردم ایران ثابت شود که در این اصل ملهم از **اصل پنجم قانون اساسی** رهبر در حکم یک زمامدار و **منتخب** از سوی مردم و در نتیجه **مسئول** در برابر مردم نیست، بلکه او **نایب** و **نماینده امام غایب** و وظیفه او ولایت امر و امامت

رکن رکن دستگاه تأمین و تضمین امنیت مادی و معنوی مردم به تابعی از کهبشکشان اختیارات در جهان بینی تنگ و تاریک ولایت مطلقه تبدیل می شود؟

آیا شما میدانید که بر خلاف اصل ۷۶ قانون اساسی که «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد» اما مجلس شورای اسلامی با وجود اصل ۱۱۰ اختیارات رهبری و اصل ۵۷ قانون اساسی عملاً حق هیچگونه تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را ندارند؟

اگر دادگاهی برای رسیدگی به دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی تشکیل شود اولین پرسش به نظرم در زمینه موضع سرشار از زبونی و عاری از شهامت او در برابر آنهمه تجاوز و قتل و خشونت پاسداران و چماق کشان خامنه ای به اهل قلم و زبان و زبان شجاع ایرانی نیست؛ اولین پرسش این است: آقای خاتمی شما که پادرمیدان رقابت در انتخابات ریاست جمهوری گذاشتید، قانون اساسی جمهوری اسلامی را مطالعه کرده بودید؟ این پرسش به همه کسانی باز می گردد که با نیت اصلاح طلبی با رأی مردم انتخاب شدند چه در مقام ریاست جمهوری و چه در مقام وکالت مجلس و به همه کسانی که اکنون پادرمیدان داوطلبی برای احراز وکالت مجلس یا ریاست جمهوری هستند. آنهائی که داعیه آزادی خواهی و دموکراسی و عدالت اجتماعی در سردارند و دخالت و شرکت در نهادهای انتخابی را وظیفه خود میدانند و کناره نشینی و امتناع از ورود به عرصه مبارزه برای انتخابات را فرار از اینای وظایف اجتماعی میدانند؛ باید اول قانون اساسی جمهوری اسلامی را مطالعه کنند و بدانند که در این قانون شاخی وجود دارد که هر کجا که پای آنها به نفع آزادی و عدالت و مبارزه با فساد و مقاومت در برابر استبداد حرکت کند مقام رهبری با صدور یک حکم حکومتی بطور مستقیم و بلا واسطه و با تکیه به اصل پنجم و اصل پنجاه و هفتم و اصل صد و دهم قانون اساسی آن پا را قطع می کند و اگر بر سبیل مصلحت بطور مستقیم و بلا واسطه نخواهد؛

قلاده شورای نگهبان قانون اساسی و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام را رها می کند؛ در قانون اساسی جمهوری اسلامی سگ های فراوانی را با قلاده قانون به دور رهبری جاسازی کرده اند تا با کمترین اشاره از لانه متعفن خود حلقوم معترض و منتقد را تکه پاره کنند.

هموطنان عزیز اگر عازم شرکت در انتخابات هستید؛ اول قانون اساسی جمهوری اسلامی را مطالعه کنید اگر در خود توانائی شکستن شاخ این قانون سراپا قانونی را دیدید یا به میدان بگذارید و جان را نیز بر کف دست نهدید. از استیصال مردم در تنگناهای فشار اختناق و فساد حاکمان از سوئی و تنگدستی روز افزون آنها در

بند پنجم از اصل دوم که در آن پایه های نظری جمهوری اسلامی بر اساس ایمان به خدا استوار شده است می گوید: «امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی» و تبصره الف از بند ششم از اصل پنجم می گوید: «اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیه اجمعی». آنچه در نظام سیاسی ایران در رابطه با نظامهای دیگر جهانی شگفت انگیز و بی سابقه است این است که در نظامهای دیکتاتوری حقوق مردم سرکوب می شود اما هیچگاه مفهوم استبداد و خودکامگی چه نسبی و چه مطلق در قوانین اساسی آنها منعکس نمی شود و در قانون اساسی جمهوری اسلامی اما در اصل پنجم و مخصوصاً در اصل ۵۷ آن علناً و باصراحت حق خودکامگی و استبداد مطلقه برای رهبر و امام امت شناخته شده است و در اصل ۱۱۰ این قانون در شرح اختیارات و وظایف رهبری، حق خودکامگی مطلقه رهبر در همه نهادهای قانونی طی ۱۱ بند به چهار میخ کشیده شده است. در این صورت قوه مقننه طبق اصل ۵۷ نظیر دو قوه دیگر در ذات خود فاقد استقلال است؛ یعنی حق قانونگذاری او تابعی از حق نظارت و دخالت مقام رهبری است؛ بنابراین حق مردم برای دخالت و نظارت در اداره امور کشور از طریق انتخاب نماینده خود در مجلس (اصل ۶۲ قانون اساسی) و حق نماینده که طبق اصل ۸۴ قانون اساسی «حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید». با وجود حق «نظارت ولایت مطلقه امر و امامت امت» خود به خود معلق و بلا اثر می شود و در نتیجه مضمون اصل ۷۱ قانون اساسی که می گوید: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقررات در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند». اما در حدود مقرراتی که در همین قانون وضع شده است؛ یعنی اصل ۵ و اصل ۵۷ با صدور حکم حکومتی یا فرمان رهبر از وضع قانون ممنوع می شود. با این همه از کسانی که اکنون در قشرهای مختلف اصلاح گرائی و ملی مذهبی در کار شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستند و آنرا به عنوان وظیفه ملی و شرعی و وطنی خود تلقی می کنند باید پرسید آیا شما قانون اساسی جمهوری اسلامی را مطالعه کرده اید؟ آیا شما میدانید که قوه مقننه در برابر اختیارات رهبر در اصل ۵ و اصل ۵۷ فاقد استقلال است؟ آیا شما اطلاع دارید که رئیس مملکت نه منتخب مردم است و نه مسئول در برابر مردم؟ آیا میدانید که رئیس جمهور مملکت طبق اصل ۱۱۰ و اصل ۱۱۳ فاقد شخصیت حقیقی و حقوقی مربوط به مقام ریاست قوه مجریه است؟ آیا اطلاع دارید که قوه قضائیه مملکت در اصل ۵۶ قانون اساسی قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و تحقق بخشیدن عدالت است؛ اما بلافاصله این استقلال در اصل ۱۵۷ قانون اساسی با تعیین رئیس قوه قضائیه از سوی مقام رهبری خود به خود منتفی می شود، و

**خمینی** و وحلقه پیرامون او که **جهل فرهنگی و فقر خردورزی** آنها را به سرحد **جنون** برای رسیدن به قدرت و ثروت رسانده بود به خیال خود. هوشیارانه و زیرکانه! در قانون اساسی همه راههای دسترسی به **حقوق اولیه و طبیعی مردم** را به نام **دین اسلام** و برتری شریعت و ایمان کورکورانه **جاهلی** بر عقل نقاد و پویای بشری مسدود و قانونی را که باید سند آزادی و بلوغ سیاسی مردم باشد به **چماق تکفیر** تبدیل کردند، غافل از آنکه پیشتر از آنها و بیشتر از آنها دیگرانی نیز بر همین راه رفتند و بهمانجائی رسیدند که **محمد رضا شاه پهلوی** رسید. سرانجام سخن ما خطاب به خواستاران شرکت در انتخابات این است که در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ که پایه اش به صراحت و وضوح بر استبداد خودکامه مطلق نهاده شده است؛ رأی مردم را در انتخابات یا پیش پرده **تأثرهای رایج دیکتاتوری** های عصر **مدرن** به بازی نگیرید اگر می توانید شاخ ولایت مطلقه و حکم حکومتی را در مجلس بشکنید؛ اگر می توانید تکلیف قطعی ترکیب ساختگی **جمهوریت محکوم** را با **اسلامیت حاکم** برای همیشه روشن کنید و **قلاده سگ های هار ولایت مطلقه فقیه** را به همراه اصل اساس ولایت به زباله دانی تاریخ به بندید؛ این گوی و این میدان؛ جزاین شرکت در انتخابات ونشستن بر صندلی های وکالت در واقع چیزی جز **چریدن در مزرعه حیوانات ولایت مطلقه نیست**. به قول ژرژ اورول **در مزرعه حیوانات همه برابرند اما بعضی ها برابرترند زیرا در مملکتی که در حکومتش وزارت ارشاد اسلامی وجود دارد؛ باید به صراحت بگویم که یا ما ملت هنوز ملتی صغیر و نابالغیم که حتی به ابتدائی ترین حقوق انسانی خود اشعارو ا شراف نداریم و یا این که در تداول و تسلسل بدون وقفه قرنهای زندگی در **یوغ خشونت و خودکامگی** و تجاوز حاکمان و تحمیق و تخریب و تحذیر واعظان و مفتیان غریزه تحول و قانون طبیعی تکامل انواع در ما کشته شده است؛ در این جا ذکر گفته یک **یهودی** روشن بین بجاست. **اسحق بن آهارون** از رهبران حزب کارگر و سندیکای کارگران اسرائیل وقتی در سال ۱۹۷۷ حزب افراطی **مناهییم بگین** برای اولین بار پس از تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ با شکست حزب کارگر در انتخابات به اکثریت درکنیسه رسید؛ گفت:**

«**اگر این اراده مردم است؛ پس باید مردم را عوض کرد**»

یادش بخیر او دسن ۹۹ سالگی در سال ۲۰۰۶ به ابدیت پیوست. مردم چگونه تغییر می کنند؟ اگر در مجلس نمی توانید شاخ حکم حکومتی فرمان ولایت مطلقه دیکتاتور را بشکنید؛ یاد گفته دکتر مصدق؛ آن مرد روشنروان خردمند و بیدار را به خاطر آورید که وقتی از مجلس مأیوس شد به میان مردم رفت و گفت مجلس آن جاست که مردم آنجا هستند. انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در حقیقت نخستین گام در شکستن

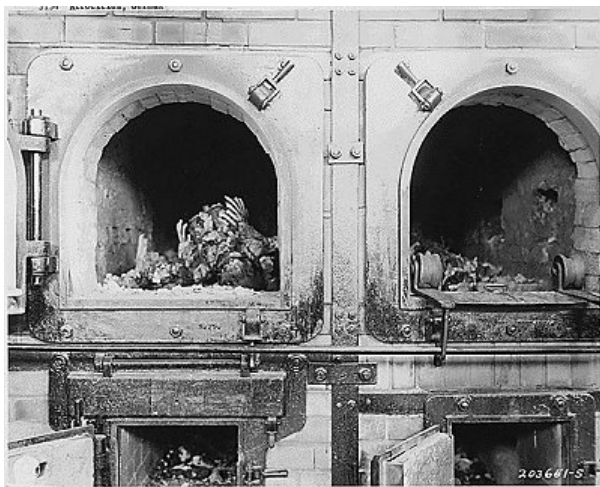
زمینه **معیشت و معاش** از سوی دیگر و مهمتر از همه از **نارسائی فرهنگ اجتماعی و سیاسی** آنها استفاده یا سو استفاده نکنید؛ آقای **خاتمی** و **مدعیان اصلاح طلبی** بر این موج سوار شدند اما **جرأت و شهامت و یا اعتقاد و ایمان در افتادن با شاخ اختاپوس هزار توی استبداد فاسد را نداشتند**.

شاید اکثریت مردم ایران نمیدانند که پدیده **انتخابات** در رژیم های **استبداد** خودکامه پیشخوان و ویتترین **دکانی** است که در پس آن قفسه های مختلف **مارهای زنگی و عقرب های جراه** و شغالها و **لاشخورهای** رنگارنگ ردیف به ردیف صف کشیده اند. راه دور نرویم چند هفته ای از **انتخابات پارلمان روسیه** نمی گذرد، از انتخابات قرقیزستان و ازبکستان و نیجریه و الجزایر و لیبی و اکنون درکنیا و فردا در پاکستان صحبت نکنیم، از کشوری صحبت کنیم که دومین کشور نیرومند نظامی و بزرگترین جامعه پیشرفته صنعتی و غنی ترین سرزمین گاز و نفت جهان است. این کشور **پس از صدها سال** استبداد **تزاری** و هفتاد و پنج سال **خودکامگی** حزب واحد، چند سالی بیش از عمر کوتاه آزادی یا به معنای صحیح هرج و مرج نگذشته بود که بار دیگر به **همت ولادیمیر پوتین** و حلقه همکاران سابق او در **ک - ژ - پ** و کادرهای ورزیده **حزب سابق کمونیست** (البته با اهرمهای اقتصاد بازار) به دوران قدرت گرائی گذاشته باز گردانده شد، آنچنان که گاری **گاسپاروف** قهرمان سابق شطرنج جهانی روسیه دریای صندوق رأی، ورقه سفید رأی را بر روی دست مقابل دوربین

فیلم برداران و روزنامه نگاران حاضر گرفت و گفت با این **انتخابات شرم آور** و سراپا **دروغ** و نیرنگ رأی من ورقه سفید است. **انتخابات در رژیم های خودکامه خود وسیله کاذب ایجاد مشروعیت و مقبولیت** برای دیکتاتوری است. **رضا شاه پهلوی** مدت ۱۶ سال با انجام انتخابات مجلس شورای ملی، حقوق پیش بینی شده در قانون اساسی مشروطیت را **زیر پا می گذاشت**، اشتباه جانشین او یعنی پسرش **محمد رضا شاه** در این بود که **دو اصل اساسی** از حقوق مردم در قانون اساسی یعنی **استقلال قوه مقننه** و **قوه قضائیه** را با تشکیل **مجالس فرمایشی** مؤسسان به خیال تحکیم قدرت خود تغییر داد؛ **رضاشاه** بدون این تغییر از سلطنت رانده شد و پسرو نیز با وجود این تغییر در جریان اوجگیری خشم انقلابی مردم به **دستور آمریکا** (طبق روایت **سولیوان** آخرین سفیر آمریکا در ایران) از کشور **گریخت**. به عبارت دیگر این پدر و پسر و قبل از آنها **احمد شاه** و پدرش **محمد علی شاه** نیز از **سلطنت خلع** شدند؛ اما آنچه آنها را از تخت سلطنت به پائین کشید؛ دست خارجی نبود بلکه استبداد و **خودکامگی** آنها و در نتیجه بیگانگی از مردم و وجود فاصله ای غیر قابل ترمیم بین مردم و آنها بود.

## یاد روز جهانی هولوکاست

کوره های آدم سوزی در اردوگاه مرگ آشویتس



در اول نوامبر سال ۲۰۰۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای که به پیشنهاد آمریکا و با رای موافق ۱۰۴ کشور تصویب شد، انکار هولوکاست را قابل پذیرش ندانست و بیست و هفتم ژانویه را برای یادبود قربانیان آن فاجعه، یاد روز جهانی هولوکاست نامگذاری کرد.

### تفسیر سیاسی بخش فارسی رادیو اسرائیل

در همان روزهایی که سران حکومت ایران ادعای سخیف خود را در انکار هولوکاست (و در واقع تائید جنایات آلمان هیتلری) از سرگرفتند، مجمع عمومی سازمان ملل سالروز آزادی اردوگاه مرگ آشویتس از تسلط جنایتکاران نازی را یادروز یهودیانی تعیین کرد که در جنگ جهانی دوم قربانی شدند. فردا (بیست و هفتم ماه ژانویه - هفتم بهمن ماه خورشیدی)، سالروز آزادی اردوگاه مرگ آشویتس است که به یک فاجعه بزرگ بشری پایان بخشید. ۶۳ سال پیش در چنین روزی، ارتشهای متفقین که سربازان آلمان نازی را مرحله به مرحله شکست داده و آنان را وادار به عقب نشینی کرده بودند، به ناحیه آشویتس بیرکناو در قلب جنگلهای لهستان رسیدند و در برابر خود منظره‌ای یافتند که هر انسانی را به تکان و می داشت: هزاران اسکلت متحرک، افرادی بسیار لاغر و تکیده که چشمانی بی روح داشتند، در محوطه وسیع اردوگاه به کندی این سو و آن سوی می رفتند و نمی توانستند آن چه را که به چشم می دیدند باور کنند.

سربازان ارتشهای متفقین این انسانهای نیمه جان را گردآوری کردند و به آنان مژده دادند که ارتش آلمان شکست

طلسم شوم تقدیرتاریخی پیوند نامبارک دین و دولت قشری و مستبد باستانی مردم ایران بود. در آن انقلاب عظیم حلقه سنگین این پیوند نامبارک از هم گسیخت و دولت چندین قرنی سلطنت موروثی واژگون شد و این بار نوبت به نابودی همیشگی دین خودکامه باستانی است از آن رو که نطفه نابودی آن خود به خود با رهبری خمینی درشکم انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بسته شد؛ همانگونه که نطفه واژگونی سلطنت خودکامه پهلوی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بسته شده بود. وقتی شریعتمداران به ضرورت بر تخت تاجداران جلوس می کنند؛ عاقبتی جز سقوط ندارند. قدرت طعمه ایست که موش کورتاریک اندیشان را در تله تاریخ به بند می کشد. مفهوم انتخابات در نظام پارلمانی، به هیچ قیدی اعم از قید مذهبی یا مسلکی (ایدئولوژیکی) یا قومی یا جنسی یا نژادی مقید نیست؛ در جامعه آزاد و دموکرات ساکنین کشور از نظر مذهبی و مسلکی و قومی و جنسی و نژادی به اقلیت و اکثریت تقسیم نمی شوند؛ قید « موازین اسلامی » در تمامی اصولی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به حقوق مردم و اختیارات و وظائف نهادهای قانونی مربوط می شود؛ هدفی جز محدودیت آزادی عقیده و آزادی بیان و آزادی وجدان؛ به نفع چارمخ کردن استبداد و خودکامگی در فضای عمومی و حریم خصوصی زندگی مردم ایران منظور نظر واضعان قانون اساسی نبوده است. این قید و هرگونه قیدی به نام قانون در جدا کردن مردم ایران به اقلیت و اکثریت با تمامی اصول مدون در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن در تضاد است.

خطاب من به کسانی است که همچنان در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی خواهان شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستند؛ اگر قادر به برچیدن این بساط آلوده و مسموم نیستند؛ مشاطه گر چهره زشت آن نشوید زیرا به قول فیلسوف آلمانی کریستف لیشتن برگ (۱۷۹۹ - ۱۷۴۲) « من یقین ندارم که با تغییر؛ وضع بهتری خواهد آمد؛ اما یقین دارم که برای بهتر شدن باید وضع تغییر کند».

آری وضع باید تغییر کند؛ اما بهتر آنست که با نگاه به تجربه های ناکام گذشته از هم اکنون در اندیشه آن سوی تغییر وضع باشیم که آن کاریست کارستان زیرا « از دست که نالیم که از ماست که برماست ».

تغییر وضع احتیاج به آگاهی از گذشته و نقد خود در گذشته و مقدم داشتن مصالح عمومی بر منافع خصوصی و قبول این واقعیت که آزادی من جز قبول آزادی برای دیگران میسر نمی شود.

میلیون نفر **یهودیان اروپا** به غارت برده و شش میلیون نفر آنان را به قتل رسانده بود، بسیار ناچیز بود.

**در سالهای پس از آن، کمپانیهای بزرگ آلمانی و بانکهای سوئیس و شرکتهای بیمه اروپائی نیز به مسوولیت خود در پنهان کردن اموال و سپرده های یهودیان اعتراف کردند و بخشهایی از آن را به قربانیان و یا بازماندگان آنان برگرداندند.**

در دهه های اخیر هزاران کتاب درباره ابعاد **هولوکاست** و **عمق جنایت علیه ملت یهود** به زبانهای مختلف و در سراسر دنیا انتشار یافته است. در این سالها صدها هزار سند و عکس و مدرک در مورد **هولوکاست** کشف شده و در اختیار همگان قرار گرفته است. همین سال پیش بود که آرشیو مرکزی آلمان هیتلری به روی همگان باز شد و اسناد آن در اختیار پژوهشگران و مردم عادی قرار گرفت و رونوشت آن در **موزه های هولوکاست** در سراسر دنیا به بایگانی سپرده شد.

قطعهنامه سازمان ملل متحد که حدود سه سال پیش بدون هیچگونه رای مخالف به تصویب رسید و **بیست و هفتم ژانویه سالروز آزادی اردوگاه مرگ آشویتس** را به عنوان یادروز بین المللی هولوکاست تعیین کرد، گام دیگری در راه شناخت **هولوکاست** و دادن هشدار به ملت‌های جهان بود که بکشند **این گونه فجایع تکرار نشود** و مردم دنیا اجازه ندهند فرمانروایانی به روی کار آیند که به نسل کشی و انسان کشی بپردازند.

در میان ملت‌های با فرهنگ جهان، تنها یک حکومت خودکامه و جلاد زبان به اعتراض گشود که چرا به **یهودیان** ترحم می کنید و چرا در سوگ قربانیان آنان به یادبود می نشینید و آن ، حکومت اسلامی ایران بود.

خودشان اکنون اعتراف می کنند که با انکار **هولوکاست** و به زیر پرسش بردن واقعیات جنایات هیتلری، آنان دلشان به حال **فلسطینیان** نسوخته بود، بلکه قصد **ستیز** با ملت **یهود** را داشتند و می خواستند در صحنه جهانی، جبهه تازه ای بگشایند تا فشار بین المللی علیه **برنامه های اتمیشان** کاهش یابد. این را خودشان اعتراف می کنند و مشاور نزدیک احمدی نژاد آن را عنوان کرد.

ولی انکار **هولوکاست** از جانب آن **پلیدان** و **ددمنشان** تنها یک امر تاکتیکی نبود، بلکه ریشه هائی بسیار عمیق تر داشت و دارد که آن را باید در باورهای دینی و مرام سیاسی و پیشینه اعتقادی آنان جستجو کرد.

آنان هر غیر مسلمان غیر شیعه را نجس دانسته اند، ولی این اندیشه باطل خویش را بیشتر علیه **یهودیان** به کار می گیرند. از دیدگاه آنان، چه اهمیتی دارد که هیتلر شماری «یهودیان

خورده و سایه **شوم حکومت هیتلری** از سراسر اروپا و دنیا زدوده شده است.

هفته ها پیش از آن، **ارتش نازی** که شکست خود را نزدیک می دید، هزاران نفر از **یهودیان** نگون بخت اردوگاههای مرگ را با پای پیاده از این اردوگاه که در خطر سقوط بود، به آن اردوگاه که هنوز ارتشهای متفقین به آن نزدیک نشده بودند، منتقل ساخت که در این راه پیمائی مرگ، در سرمای زمستان و نبود آذوقه و امکانات، هزاران نفر دیگر جان خود را از دست دادند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد حدود سه سال پیش تصمیم گرفت روز آزادی اردوگاه **مرگ آشویتس** از تسلط آلمان نازی را روز یادبود جهانی **هولوکاست** اعلام کند و فردا در همه کشورهای با فرهنگ جهان و توسط همه **حکومت‌های مردمی** آئین هائی به مناسبت یادروز این بزرگترین جنایت قرون و اعصار برگزار خواهد شد.

شاید این تصمیم آن جامعه بین المللی واکنشی نسبت به سخنان سیاست **پیشگان پست** و نانسان در **حکومت دینی ایران** بود که **هولوکاست** را انکار کرده و ادعا کرده بودند که هیتلر **جنایتی** مرتکب نشده و قصد نابودی یهودیان را نداشته است.

۶۳ سال از آزادی اردوگاه مرگ آشویتس و حدود ۶۳ سال از پایان جنگ جهانی دوم می گذرد. دنیا در سالهای نخست پس از پایان جنگ، هنوز ابعاد **جنایات نازیها علیه یهودیان** را نادیده می گرفت و یا شاید هنوز به عمق آن پی نبرده بود. در آن سالهای نخست، گرچه **دادگاه بین المللی نورنبرگ** برای محاکمه و مجازات **بیست و چند تن** از سران آلمان نازی و صدها تن از ماموران میان پایه آن رژیم برپا گردید، ولی هنوز دنیا چندان هشیار نبود و شماری از افسران نازی و ابرجنایتکاران توانستند به کشورهای آمریکای جنوبی **بگریزند** و یا حتی در خود آلمان با جعل هویت به زندگی ادامه دهند.

در چند دهه اخیر جهانیان به ابعاد فاجعه ای که **هولوکاست** (و در زبان عبری شوآ) نامیده می شود، به تدریج پی برده اند و دولتها و حکومتها مسوولیت خود را پذیرفته و در صد **دلجونی** از **ملت یهود** و **قربانیان هولوکاست** برآمده اند. حکومت آلمان غربی، در سالهای جنگ سرد مسوولیت ملت آلمان را در قبال **قربانیان یهودی** پذیرفت و به آنان و بازماندگان آنان و کشور **اسرائیل** به عنوان نماینده **یهودیان** جهان مبالغی به عنوان غرامت و خسارت پرداخت. ولی این مبالغ در مقایسه با جنایاتی که آلمان هیتلری علیه **یهودیان** مرتکب شده بود، و اموالی که از یازده

جنایات در لبنان، آدم کشیها در سومالی، جنایات در دارفور سودان، و شاید تکان دهنده تر از همه، نسل کشی در کنگو. در آن سرزمین هنوز روزانه بیش از یک هزار نفر در جنگ خانگی جان می‌بازند.

آیا دنیا این واقعیت را می‌داند؟ آیا دنیا برای پایان بخشیدن به آن اقدام می‌کند؟ آیا دنیا اصولاً می‌تواند جلوی این گونه جنایات را بگیرد؟

و در داخل ایران، با این همه اعدامها، حلق آویز کردن جوانان، کشتن یا به خودکشی واداشتن زندانیان سیاسی، ملت ایران را نیز به هولوکاست کشانده اند که گر چه هرگز به ابعاد هولوکاست نازی نمی‌رسد، ولی دنیا باید بیدار شود و فریاد اعتراض خود را علیه آن بلند کند.

۶ بهمن ماه ۱۳۸۶

## جنایت پشت جنایت در سایه سنگین سرنگونی

پریش پاهکین

حکومتی که همچون خاری در چشم جهانیان در قرن بیست و یکم، ایدئولوژی ویرانگرش از افغانستان تا شاخ آفریقا تنها با آدم کشی و ترور، خونریزی و وحشیگری اشاعه می‌یابد، حکومتی که حق واقعی و غیر قابل معامله مردم ایران را در دریای مازندران، جزایر سه گانه خلیج فارس و اروند رود به مذاکره گذاشته و آن را به محلی برای چانه زنی با دیگران تبدیل کرده است، حکومتی که به اتهام واهی "اقدام علیه امنیت ملی" از هر ابزاری برای سرکوب مردم استفاده می‌کند نه اعتقادی به "امنیت" داشته و دارد و نه "ملت" را شایسته احترام می‌داند.

اینک که پرده از جنایتی دیگر کنار رفته و یکی از جوانان برومند این آب و خاک در کردستان به شمار قربانیان رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی پیوسته بار دیگر بر جهانیان آشکار می‌گردد که ملایان شمشیر از رو بسته و واپس گرا که تا کنون به هیچ یک از درخواستها و بیانیه های سازمانهای جهانی پایبند نبوده اند وقیحانه عبا بر سر کشیده و همه فریادهای دادخواهانه را به سخره گرفته اند.

با آنکه هدف نظام ولایت مطلقه فقیه هیچگاه چیزی به جز نابودی ایران و ایرانی نبوده است اما در پس اینهمه جنایت آنچه امروز بیشتر از گذشته خودنمایی می‌کند ترس روزافزون ملایان از سایه سنگین سرنگونی است. جمهوری اسلامی هیچگاه تا بدین پایه تنها و منزوی نبوده است. با افزایش فشارهای جهانی هر لحظه دوستان رژیم از او روی برگردانده و دامنه معاملات

نجس» را به قتل رساند؟ احمدی نژاد گفته بود: در جنگ جهانی دوم حدود ۶۰ میلیون نفر کشته شدند، آن شش میلیون نفر یهودی چه اهمیتی می‌توانستند داشته باشند؟

دست اندرکاران حکومت اسلامی ایران که همین آمار تاریخی را هم نادست می‌خوانند، در واقع می‌خواهند ذهن دنیا را برای به راه انداختن یک هولوکاست دیگر آماده سازند. اگر جنایاتی که هیتلر در جنگ جهانی دوم مرتکب شد، از دیدگاه آنان اهمیتی ندارد، به منظور آن است که خودشان فردا با بمب اتم بتوانند چندین برابر آن را بکشند.

آنان با انکار هولوکاست، می‌خواهند همه یهودستیزان دنیا را به دور خود جمع کنند. اعراب و مسلمانی وجود دارند که با افراط گرایی مذهبی، آماده پذیرفتن این اندیشه های پلید هستند. نئونازیهای اروپا و دیگر نقاط جهان نیز با مطرح شدن این ادعاهای ناپاک در سرزمین پاک ایران، پایگاه و پشتوانه ای برای خود می‌یابند و همزمان، حکومت اسلامی در ایران می‌کوشد در آمریکائی جنوبی نیز رخنه یابد و مردمان آن قاره را نیز با خود همداستان کند.

دهها سال، سران ستیزجوی کشورهای عرب تلاش کردند با نابود ساختن اسرائیل و کشتن مرمان آن هولوکاست تازه ای به راه اندازند که نتوانستند. ولی در حالی که اعراب به سوی صلح با اسرائیل روی آوردند، اکنون حکومت اسلامی ایران است که می‌کوشد هولوکاست دیگری تدارک ببیند و برای وقوع آن تلاش می‌کند.

به بهانه آن که به دنبال مروت و عدالت برای فلسطینیان هستند، آنان را از صلح با اسرائیل باز می‌دارند و حماس و دیگر سازمانهای ترور را تقویت می‌کنند که نگذارند روند صلح انسجام و استحکام یابد. از دیگاه احمدی نژاد و هم پیمانانش، مردم اسرائیل را باید به آلاسکا و کانادا فرستاد البته در صورتی که نتوان آنان را با بمب اتمی (که هنوز برای تولید آن می‌کوشند) نابود کرد.

امید آن بود که اگر دنیا به جنایات آلمان هیتلری و ابعاد هولوکاست پی برد، از فجایع بعدی، از ملت کشیها و نسل کشیهای بیشتر جلوگیری خواهد شد. شوربختانه این چنین نشد. در ۶۳ سالی که از آزادی اردوگاه مرگ آشوویتس می‌گذرد، دنیا شاهد جنگها و خونریزیهای بیشتری بوده است. جنگ کره، جنگ ویتنام و در سالهای پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جنگ یوگوسلاوی، جنایات پل پوت در کامبوج و جنگهای دیگر.

در کنار این جنایات و خونریزیهای تکان دهنده، دنیا شاهد فجایعی دیگری نیز بوده و هست. کشتارها در سیلان،

ورنه کز فریدون و جم نامی نامد

کاوه ای باید تا خونین در فشی بر فرزند

**بیداری مردم**، زمینه سازی می کنند. جمهوری اسلامی آنقدر مستأصل است که حتی در مقابل اعتراضات صنفی دانشجویان صف آرائی نظامی می کند.

این است خطوط کلی برنامه همه جناح های حاکمیت برای مردم. **توده ها باید چشمانشان را باز کرده** و این حقیقت را تماماً درک کنند که **رفتن پای صندوق های رأی یعنی تمدید طول عمر جمهوری اسلامی و محکم کردن زنجیرهای اسارت خود و بدست خود**. همه ما، از **کمونیستهای انقلابی و دانشجویان و روشنفکران چپ** تا فعالین **جنبش زنان و کارگری**، باید آنچنان کار آگاهگرانه ای در میان توده های محروم جامعه انجام دهیم که **آنان بجای چشم امید دوختن به صندوق های رأی به سرنگونی جمهوری اسلامی چشم امید بدوزند و در جهت آن حرکت کنند**.

ابتکارات عقب مانده ای که رژیم در روش های **تبلیغاتی** اش ابداع کرده و بصورت **انیمیشن** در تلویزیون به **نمایش** می گذارد و به اصطلاح **پاتک زده** و با **مسخره بازی** پاسخ **مخالفین** و **تحریم** کننده های انتخابات را می دهند، فقط خشم و نفرت انسان را نسبت به این **حکومت افزایش** می دهد. حتا سران جمهوری اسلامی نیز می دانند این انتخابات **مضحکه ای** بیش نیست و بر خلاف همیشه، چندان به دنبال **نمایش « مشروعیت »** حاکمیت خود نیستند. زیرا می دانند توده های مردم خشمگین و از آنان منزجرند.

اما مهمتر از آن، سر اینان جای دیگری گرم است: سران **جمهوری اسلامی** در درگاه قدرت های **امپریالیستی** (بخصوص آمریکا) عاجزانه در پی **تمدید طول عمر حاکمیت خود** هستند و آمریکا کماکان آنها را تهدید به این می کند که تاریخ مصرف شان به سر آمده است. در این شرایط، رنگ به چهره زدن از طریق **کارناوال های انتخاباتی** برای سران رژیم هم کسالت آور است. هیاهوی **حذف صلاحیت کاندیداهای جناح « اصلاح طلب »** قرار است بخشا تنور این انتخابات را داغ کند و برخی از مردم را به هیجان بیاورد اما این آش آنقدر شور است که **آشپز** هم تلاش زیادی برای خوراندن آن به مردم نمی کند.

هدف اصلی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی از روند **انتخابات مجلس هشتم** در واقع آماده کردن میدان برای انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده است. پیشاپیش در **« رایزنی های »** میان جناح های مختلف جمهوری اسلامی مشخص شده است که میدان **« رقابت انتخاباتی »** در این انتخابات و انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده باید به کاندیداهای گوناگون جناح اصول گرا واگذار شود: به امثال **قالیباف، علی لاریجانی، محسن رضائی** و غیره. **« اصلاح طلبان »** از هر طرف به پایه های حزب مشارکت و آن خرفت هائی که هنوز چشم

اقتصادی خود را کاهش می دهند. مجموعه **فشارهای خارجی** و **نارضایتی داخلی** رژیم **ملایان** را تا جایی لرزان و نامتوازن کرده که تنها راه ادامه **عمر ننگین** خود را افزودن **خشونت ددمنشانه** داخلی و دهشت افکنی خارجی می داند. اینک که ضریب مقاومت این مجموعه لرزان بسیار محدود شده و با در راه بودن **قطعنامه سوم** دیگر امیدی به تجدید نیرو برایش نمانده است تا جایی که بتواند می کوشد تا بر ننگ و سیاهی **کارنامه زشت** خود بیفزاید. در این فرصت به دست آمده آیا تنها امیدی که افزون تر از پیش چهره می نماید **همبستگی** تلاشگران تمامی عرصه ها برای یافتن بهترین شیوه های سازماندهی نیست **تا برای همیشه بساط اینهمه جنون جنایت پیشگی را از جای جای میهن برچیند؟**

Parish4ir@gmail.com

۸۶/۱۰/۳۰

## انداختن رأی به صندوق های متعفن جمهوری اسلامی یا انداختن جمهوری اسلامی به زباله دان تاریخ؟

نیمه اول این سوال شرایط دهشتناک و نیمه دوم

آن رهائی بخش است!

در صورتی که **تلاطمات اجتماعی** یا **حمله نظامی آمریکا** بساط جمهوری اسلامی را به یکباره بر هم نزنند، **مجلس هشتم** جمهوری اسلامی، مجلس همکاری جناح های مختلف برای **تشدید جنگ اقتصادی** علیه **کارگران و دهقانان و زحمتکشان** شهری خواهد بود. مجلس سرکوب **دانشجویان، زنان، کارگران** و همه ی مردم و آماده کردن زمینه برای چرخش های بزرگ در روابط **ایران و آمریکا** خواهد بود. جناح به **اصطلاح اصلاح طلب حکومت** نیز تحت لوای « شرایط حساس در کشور » مشاطه گر این پروژه خواهد بود.

تدارک **انتخابات مجلس اسلامی هشتم**، تا بدانجا که به مردم مربوط است با **دستگیری و شکنجه** دانشجویان چپ و **قتل مخالفین** زیر شکنجه شروع شد که آخرین آن قتل **زبونانه ابراهیم لطف الهی** دانشجوی کرد در **زندان سنندج** بوده است. به موازات گسترش موج بیکار سازی ها، صعود بیرحمانه قیمت ارزاق عمومی، نابودی تولید کنندگان کوچک صنعت و کشاورزی، **ضرب و شتم و دستگیری مخالفین** نیز اوج تازه ای گرفته است. سران جمهوری اسلامی **نمایندگان کارگران مبارز** مانند **محمود صالحی** را در سیاهچال محبوس کرده تا از **کارگران** زهر چشم بگیرند و در برابر این جلادان بی شرم سکوت اختیار کنند. سخنگویان رژیم در روزی نامه هایشان برای **اعضای کانون نویسندگان ایران** خط و نشان می کشند و برای راه اندازی یک موج نوین سرکوب علیه روشنفکران متعهد به حقوق و

ورنه کز فریدون و جم نامی نماند

کاوه ای باید تا خونین در فشی بر فرزند

طبق گزارش روزنامه هرالد تریبون (۲۶ ژانویه - ۶ بهمن)، **قالیباف** که به احتمال زیاد **کاندیدای ریاست جمهوری** سال آینده ایران است به «**داووس**» رفته بود تا خود را به **قطب های قدرت اقتصادی** و **سیاسی** در جهان معرفی کند و دل آنان را بدست آورد. این روزنامه نوشت: «**گردهمائی اقتصادی سالانه در داووس نه تنها کسانی را که دارای قدرت اقتصادی و سیاسی اند بلکه همچنین آرزومندان قدرت را نیز جلب می کند.**» خبرنگار روزنامه **آمریکائی** ضمن برشمردن «**خدمات**» ایشان در مقام **شهرداری** تهران از وی در مورد برنامه انتخاباتی اش در صورت شرکت در **انتخابات ریاست جمهوری** پرسید. وی جواب داد در صورت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده، «برنامه بازگشائی بروی جهان خارج برای جلب سرمایه گذاری خارجی و کم کردن بیکاری را خواهم داد.» او اعلام کرد با دولت **احمدی نژاد**، «در مورد برخی مسائل من جمله مدیریت قدرت و رابطه اقتصادی با خارج اختلاف داریم.»

در **داووس**، نماینده **احمدی نژاد** به نام **ثمره هاشمی** نیز برنامه **جناح** خود را **انغام هر چه بیشتر دین و دولت اعلام کرد** و از بقیه نیز خواست که چنین کنند. وی همچنین از دست «زورگوئی و فریب صاحبان قدرت» (منظورش آمریکا است) شکایت کرد. پیش از این، در اوائل دی ماه، **خامنه ای** در نطقهای «انتخاباتی» مختلف اعلام کرد **قطع رابطه با آمریکا همیشگی نیست** و هر وقت لازم شد خودش «**اولین نفر**» پیشقدم در اینکار خواهد بود. او در نطق دیگری در مقابل **طلبه های قم** (در ۱۹ دی) **اصلاح طلبان** را تهدید کرد که اگر **آمریکا** به حمایت از آنان برخیزد، **خائن قلمداد خواهند شد. خامنه ای** به این ترتیب به اصلاح طلبان هشدار داد که از دور «رقابت انتخاباتی» برای **جلب حمایت آمریکا** خارج شوند و به **آمریکا** نیز ندا داد که بهتر است به **جناح** او رأی دهد وگرنه میز بازی را بهم می زند!

در هر حال واضح است که **نتایج انتخابات مجلس هشتم** و **ریاست جمهوری سال آینده نه محصول فرآیند انتخابات در ایران بلکه محصول فرآیند چانه زنی های درون هیئت حاکمه ایران و رایزنی و توافق با قدرت های امپریالیستی است.** تا بدانجا که به مردم مربوط است **ثمره شرکت در فرآیند انتخابات فقط یک چیز می تواند باشد: مردم گول خورده و مأیوس از تعیین سرنوشت خویش، خواهند شد.**

مشاهده دقیق صحنه هائی که بدور **انتخابات** شکل می گیرد، بطور انکار ناپذیری یک چیز را نشان می دهد: **دموکراسی** در جمهوری اسلامی متعلق به حوزه رابطه میان جناح های مختلف هیئت حاکمه است و **دیکتاتوری** متعلق به حوزه رابطه ی قدرت میان جمهوری اسلامی با همه قشرها و طبقات محکوم جامعه. **دموکراسی** و **دیکتاتوری** طبقاتی دو روی یک سکه اند. وقتی موسم انتخابات می

امید به اینان دارند ندا می دهند که «**باید توقع خود را پائین آورد**»! **محمد رضا خاتمی** رئیس حزب **مشارکت اسلامی** اعلام کرد: «اصلاح طلبان در این انتخابات به دنبال ایجاد مجلسی نیستند که کارهای عظیمی انجام دهد بلکه احساس آنها این است که کشور شرایط خوبی ندارد و کسی باید سوار قطار قدرت شود که ترمز آن را بکشد ... باید توقعاتمان را محدود و در حد وضعیت موجود کم کنیم... مجلس هشتم یک مجلس ویژه است.» (نوروز - اول بهمن ۱۳۸۶) **ابطحی** نیز ندا می دهد که این انتخابات مهم نیست و بهتر است «**اصلاح طلبان**» توقعات بیجا نداشته باشند! وی می گوید: «مردم واقعیات موجود در کشور را فهمیده و لمس کرده اند. این بار توقع حداکثری ندارند.» و هشدار داد که «**در این شرایط خطرناک**» هیچکس نباید انتخابات را تحریم کند. (**اعتماد ملی - اصلاح طلبان برای عبور از این دو راهی ...**)

البته در میان اصلاح طلبان کسانی هستند که مخالف این خط هستند. مشخصاً **تاجزاده** که به اصطلاح «**جناح تندروی**» اصلاح طلبان است مرتباً در مورد توطئه چینی «**رد صلاحیت کاندیداهای اصلاح طلبان**» و «**کودتای پارلمانی**» هشدار می دهد و افشای می کند. او می گوید، **جناح حاکم با علنی شدن «گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا**» خیالش از بابت حمله آمریکا راحت شده، بنابراین یکه تازی می کند. اما این هیاهوها بیشتر از آنکه نشانه اعتراض کسی باشد، برای دمیدن به اشتیاق مردم برای شرکت در انتخابات و ناامید نشدن از امکان «**اصلاح**» جمهوری اسلامی است. **اینها همه دریچه های بخار برای حفظ نظام اند.**

به همان نسبت که مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی بی رونق است، **روابط** میان مقامات **جمهوری اسلامی** با مقامات **آمریکائی** در **عراق**، ملاقات سران جناح های مختلف جمهوری اسلامی با مقامات کشورهای خاورمیانه و **اروپا** و **روسیه** و **چین** پر رونق است. در اوایل دی (مصادف با تعطیلات مسیحی در دسامبر) همزمان با سفر خصوصی **سارکوزی** (رئیس جمهور فرانسه) به مصر، **علی لاریجانی** (نماینده خامنه ای در شورای امنیت ملی) نیز همراه با خانواده اش سفری «خصوصی» به **مصر** انجام داد. بنا به گفته یکی از مشاوران عالیرتبه **هیلا ری کلینتون**، **فرانسه در حال مذاکرات مستقیم با جمهوری اسلامی است** (لوموند ۲۶ ژانویه) امسال در **گردهمائی سالانه «داووس»** (سوئیس) که مهمترین نشست سالانه شخصیت های مهم اقتصادی و سیاسی جهان است، **نمایندگان همه جناح ها شرکت داشتند: منوچهر متکی (وزیر خارجه)، محمد خاتمی، قالیباف، و ثمره هاشمی بعنوان نماینده احمدی نژاد همه رفته بودند تا رأی هائی را که واقعاً حساب است جمع کنند.**

یکی از فرزندان خود در انتظار مرگ به وسیله **سنگسار** در زندان بسر می برند.

**عفو بین الملل** نهایتاً توصیه عدم اعدام برای زنان را می کند آنها را تدریجی و در مورد **الفا مجازات اعدام** حرف نمی زند. سیاستشان اینست که شاید کم کم شاخ و دم این قانون را بزنند! آنچه باعث می شود سازمان **عفو بین الملل** فقط به « نحوه » کشتن اعتراض کند و نفس قتل عمد دولتی را زیر سؤال نبرد، وجود « نمایندگان » کشورهای است که از قانون **شنیع اعدام** دفاع می کنند و آنرا « حق » خود می دانند. در صد سال گذشته بحث « **رادیکال** » حول مسئله اعدام در طیف دولتها و این نوع سازمانها فقط حول نحوه اعدام بوده است. و بهمین دلیل است که **سنگسار** از نظر این نمایندگان قرون وسطایی محسوب می شود و شاید تغییر آن به اعدام از نوع **حلق آویز** کردن کافی باشد تا جمهوری اسلامی را از لیست نقض کنندگان حقوق بشر خارج کند.

**نمایندگان سازمان عفو بین الملل** به این امر واقف هستند که حکومت **صد هزار اعدام** جمهوری اسلامی در آستانه ۸ مارس سال ۲۰۰۷ **فعالان جنبش زنان** را به همین دلیل دستگیر کرده و قرار است با پاپوش دوزی و اتهاماتی از جمله « **اختلال در نظم عمومی** » و « **اقدام علیه امنیت کشور** »، تحت محاکمه قرار دهند. آنها خوب می دانند که وحشت ناشی از **اقدامات تروریسم** جمهوری اسلامی که **ستون فقرات تروریسم اسلامی** است تنها دلیل عقب نشینی آنها در مقابل حکومت‌های اسلامی نیست!! آنها سردرگم و مغشوش اند! از لحظه ای که **اسلام سیاسی** وارد میدان شد، ادیان و مذاهب دیگر نیز دنباله رو آنها شدند و هر کدام برای احیای ارتجاع اهل عتقی مسابقه گذاشتند. اینها علیه هر آنچه مردم جهان تحت نام **سکولاریسم** و عصر **جدایی دین از دولت** بدست آورده بودند، حمله کردند. اگر مقاومت جبهه **انسانیت و مدرنیسم** و **سوسیالیسم** در مقابلشان نباشد، اینها دنیا را به **بربریت قدیم** میبرند.

دست به دامن سازمانها و نهادهایی از این جمله نه به این دلیل است که **احزاب سرنگونی طلب** دچار توهم شده اند، بلکه به این دلیل است که این نهادها هم چشمهایشان را به جنایت علیه بشریت در کشوری به نام ایران باز کنند و گرنه ما دست از تلاش در جهت لغو حکم اعدام بعنوان قتل عمد دولتی بر نمی داریم و اعتقاد داریم که مبارزه جهت نجات حتی یک نفر از اعدام، مردم جهان را یک قدم به انسانیت نزدیک می کند!

چهارشنبه، ۲۶ دی ماه ۱۳۸۶

رسد، از **طبقات محروم و محکوم جامعه** خواسته می شود که از میان ستمگران خود یک عده را بر عده دیگر ترجیح دهند و به این ترتیب سند بردگی خود را امضاء کنند؛ **جنایاتی** را که در مدت انتخابات قبل تا این انتخابات توسط رژیم صورت گرفته را تأیید کنند و برای ارتکاب جنایات بیشتر به او چک سفید بدهند.

**انتخاب واقعی، اما، سرنگونی جمهوری اسلامی است!**

حقیقت ارگان حزب کمونیست ایران ( م ل م )  
شماره ۳۸ بهمن ۱۳۸۶

## این رژیم را باید سرنگون کرد!

### سنگسار و عفو بین الملل



شهلا نوری

طبق گزارش سایتهای خبری:

**۹ زن و ۲ مرد** در زندانهای ایران در معرض خطر مرگ به وسیله **سنگسار** سر می‌برند و در چنین شرایطی است که سازمان عفو بین الملل خواستار اصلاح قانون مجازات در

ایران می شود! این سازمان از مقامات رژیم اسلامی خواست که قانون مجازات کشور را لغو یا اصلاح کنند و ترتیبی اتخاذ کنند که تا آن زمان، دستورالعمل سال ۲۰۰۲ رئیس قوه قضاییه مبنی بر تعویق **سنگسار** کاملاً رعایت شود. این خواست پیرو نظریه « **کمتر زجر دادن قربانیان** » طرح شده است.

**لگم اسمارت**، رئیس برنامه خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین الملل گفت: ما از اقداماتی که اخیراً در جهت اصلاح صورت گرفته و گزارش‌های حاکی از این که **مجلس** در حال گفتگو درباره اصلاح قانون مجازات است، تا دست کم برخی از احکام **سنگسار** در مواردی که « **مصلحت** » ایجاب می‌کند به حال تعلیق درآید، استقبال می‌کنیم. ولی مقامات باید از این مرحله بسیار فراتر روند و برای اطمینان از این که **قانون مجازات** جدید نه اجازه **سنگسار** برای اعدام را بدهد و نه شیوه‌های دیگر اعدام را برای زنان مجاز بداند، گام‌های لازم را بردارند.

اینگونه پیامها به حکومت جمهوری اسلامی در شرایطی فرستاده می شود که **جعفر کیانی** در ۵ ژوئیه ۲۰۰۷ در دهکده آقچه کند نزدیک **تاکستان** در استان **قزوین** به وسیله **سنگسار** اعدام شد. او به دلیل رابطه خارج از ازدواج با مکرمه ابراهیمی مجرم شناخته شده بود. مکرمه و جعفر کیانی دو فرزند دارند و مکرمه در حال حاضر با

**درگیری در کوی دانشگاه**

فعالان حقوق بشر در ایران



روز گذشته در پی حرکتی خودجوش در اعتراض به وضعیت بد صنفی و همچنین نسبت به حکم های کمیته انضباطی " دانشجویان دانشگاه تهران در سلف غذاخوری کوی دانشگاه دست به اعتصاب غذا و تحصن زدند.

این تحصن که از حدود ساعت ۱۲ ظهر و با جمعیتی حدود ۱۵۰ نفر آغاز شده بود با افزایش جمعیت تا ۱۵۰۰ نفر تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه یافت.

دانشجویان در ادامه تحصن دیروز خود بدلیل بی کفایتی ریاست دانشگاه خواستار استعفای وی شدند.

اما امروز نیز در ادامه تحصن روز گذشته مطابق اطلاع رسانی که توسط فعالان دانشجویی صورت گرفته بود در ساعت ۷ بعد از ظهر تجمعی دیگر در همان مکان قبلی شکل گرفت که این بار با سر دادن شعار: " دانشجوی می میرد ذلت نمی پذیرد " و خواندن سرودهای ای ایران و یار دبستانی رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت و دانشجویان با حرکت به سوی درب اصلی کوی دانشگاه اقدام به شکستن درب نموده و به خیابان امیر آباد وارد شدند و به اشغال انبار غذایی امیر آباد دست زدند که این عمل آنها با واکنش سریع پلیس روبرو شد به صورتی که پلیس اقدام به پرتاب گاز اشک آور به سوی دانشجویان نمود.

تا لحظه تنظیم خبر گزارشی از افراد بازداشتی و زخمی احتمالی گزارش نشده است. ساعت ۲۲/۴۳

شنبه، ۶ بهمن ماه ۱۳۸۶

**تجمع اعتراض آمیز دانشجویان به خیابان و****درگیری با پلیس کشیده شد**

خبرنامه امیرکبیر: در پی بی توجهی مسئولین دانشگاه تهران به مطالبات صنفی دانشجویان، ظهر امروز تجمع و راهپیمایی جمعی از دانشجویان در محوطه کوی دانشگاه تهران به خیابان امیرآباد کشیده شد.

ظهر امروز در پی پایین بودن کیفیت غذا در حدود ۵۰۰ نفر از دانشجویان به نشانه اعتراض از خوردن غذا امتناع کرده و غذای خود را روی زمین ریختند. دانشجویان سپس در سالن غذاخوری متحصن شدند.

پس از بی توجهی مسئولین به این مطالبه صنفی دانشجویان، تحصن دانشجویان به تجمع، راهپیمایی در داخل کوی دانشگاه و سر دادن شعار علیه مسئولین دانشگاه تهران و دولت احمدی نژاد انجامید.

دانشجویان با تجمع مقابل درب اصلی کوی و سر دادن شعار خواستار حل مشکلات صنفی که شامل کیفیت پایین غذا، وضعیت بد خوابگاه ها، احضارهای گسترده دانشجویان به کمیته انضباطی و صدور احکام سنگین انضباطی می شد، شدند.

مامورین انتظامات کوی دانشگاه درب های کوی را بسته و از خروج دانشجویان جلوگیری کردند. اما جمعیت ۵۰۰ نفره دانشجویان پس از ساعتی از در عبور کردند و وارد خیابان امیرآباد شدند و در خیابان دست به راهپیمایی و سر دادن شعار پرداختند. نیروی انتظامی بلافاصله در محل حاضر شده و درگیری های مختصری نیز با بعضی از دانشجویان معترض رخ داده است. آخرین گزارش های رسیده حاکی از آن است که به تعداد دانشجویان معترضی که در خیابان حضور دارند هر لحظه افزوده می شود و هم اکنون جمعیت دانشجویان به ۱۰۰۰ نفر رسیده است.

همچنین خبر می رسد که گارد ویژه به محل اعزام شده است و احتمال درگیری، ضرب و شتم دانشجویان و دستگیری گسترده آنها توسط نیروی انتظامی می رود.

لازم به ذکر است پس از حوادث خردادماه سال ۱۳۸۲ این اولین باری است که اعتراضات دانشجویی به خیابان و به درگیری با نیروی انتظامی می انجامد.

آدینه، ۵ بهمن ماه ۱۳۸۶

دانشجویان در ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه اعلام کردند که تظاهرات را موقتاً پایان میدهند و فردا ۷ بهمن در صورتی که خواست هایشان برآورده نشده باشد، اعتراضات را با شدت بیشتری از سر خواهند گرفت.

### ورود گارد ضد شورش به محوطه کوی دانشگاه

ناآرامی بی سابقه در کوی دانشگاه تهران / ورود گارد ضد شورش به محوطه کوی دانشگاه و مجروح شدن تعدادی از دانشجویان.

ادواریوز: کوی دانشگاه تهران برای دومین شب متوالی شاهد اعتراض و تجمع دانشجویان و ورود بی سابقه یگان ضد شورش به محوطه کوی و ضرب و جرح دانشجویان بوده است.

دانشجویان ساکن کوی مطابق قراری که دیشب و به هنگام پایان تجمع گذاشتند از ساعت ۲۰ امشب در محوطه کوی تجمع کرده، سپس به سمت سمت درب فنی کوی دانشگاه تهران حرکت کرده و اقدام به سر داد شعار نمودند. دانشجویان که در شبهای گذشته عمدتاً خواسته های صنفی داشته اند در تجمع امشب اقدام به سر دادن شعارهای تند سیاسی کرده اند. مهمترین شعار دانشجویان برکناری امید زنجانی رییس روحانی دانشگاه تهران است. این در حالی است که نیروهای ضد شورش در برابر درب کوی صف آرایی کردند.

شاهدان عینی گزارش می دهند یگان ویژه ضد شورش برای ترساندن دانشجویان اقدام به رژه در برابر درب فنی کوی در خیابان امیرآباد کرده است که به دنبال این اقدام پلیس، دانشجویان خشمگین با هجوم به سمت درب فنی کوی پس از شکستن این درب قصد ورود به خیابان امیرآباد را داشته اند که پلیس ضمن مقاومت در برابر این تلاش دانشجویان در اقدامی بی سابقه از تیرماه ۷۸ با ورود محدود به محوطه کوی دانشگاه تهران اقدام به ضرب و شتم دانشجویان می کند.

همچنین تعدادی از دانشجویان در جریان این درگیری و تعقیب و گریز از ناحیه سر و دست دچار شکستگی شده اند. در مقابل تعدادی از نیروهای پلیس نیز زخمی شده اند و با آمبولانس از خیابان امیرآباد به بیمارستان انتقال داده شده اند. گفتنی است نیروهای پلیس پس از عقب راندن دانشجویان از محوطه کوی خارج شده اند.

در حال حاضر برق کوی دانشگاه قطع شده و دانشجویان نگهبانی کوی را به آتش کشیده اند.

یکشنبه، ۷ بهمن ماه ۱۳۸۶

### ما فرزندان کاوه و سیاوشیم، تا سقوط این نظام از پا نمی نشینیم

آخرین اخبار از کوی دانشگاه تهران



از وبلاگ کمپین آزادی و برابری (پلی تکنیک)

براساس آخرین گزارش رسیده از دانشگاه تهران، تظاهرات خشمگینانه بیش از ۱۵۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه تهران که از عصر امروز آغاز شده بود در زیر حملات مأموران انتظامی و برف



سنگین تا ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه ادامه داشت.

در این تظاهرات دانشجویان از جمله شعار می دادند: ما فرزندان کاوه و سیاوشیم، تا سقوط این نظام از پا نمی نشینیم / حکومت زور نمی خوریم، پلیس مزدور نمیخواهیم / احمدی پینوشه، ایران شیلی نمیشه / محمود احمدی نژاد، عامل تبعیض و فساد / دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد / دانشگاه پادگان نیست و دانشجوی زندانی آزاد باید گردد.

مأموران گارد ویژه که در طول تظاهرات مرتباً کمک میخواستند و دسته های تازه نفس به صحنه میآوردند، با استفاده از ماشینهای آبپاش و باتون به دانشجویان حمله میکردند. گارد ویژه ضد شورش و نیروی انتظامی از در جنوبی کنار دانشکده فنی وارد کوی دانشگاه می شود و ۲۰ نفر از دانشجویان معترض را دستگیر می کند.

در جریان درگیری دانشجویان با گارد ضد شورش بیش از ۶۰ نفر از دانشجویان زخمی شده اند. اما دانشجویان که در قفل شده دانشگاه را شکسته بودند و با پرتاب سنگ به درگیری با مأموران ادامه دادند، چندبار آنها را به عقب راندند.

نیروی انتظامی و فشار جمعیت موجب شکسته شدن درب فنی و خارج شدن دانشجویان از کوی شد. دانشجویان درحالی که شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر می دادند چند متر وارد خیابان شدند.

در پی این حرکت دانشجویان، گارد ویژه در اقدامی بی سابقه با حمله به طرف دانشجویان، آن ها را تا داخل کوی تعقیب و دانشجویان تجمع کننده را مورد ضرب و شتم قرار داد. در پی ضرب و شتم دانشجویان حدود ۱۸ نفر از دانشجویان جراحاتی در ناحیه سر، صورت، پا و دست برداشتند. گارد ویژه همچنین در داخل کوی اقدام به دستگیری ۴-۵ نفر از دانشجویان نمود.

پس از این حرکت، نیروهای گارد از کوی خارج شده و به داخل خیابان باز گشتند. دانشجویان نیز با انتقال مجروحین به داخل نمازخانه، همچنان به تجمع و سر دادن شعار در محوطه کوی ادامه دادند. جمعیت دانشجویان در ساعت ۱۰ شب به بیش از ۱۰۰۰ نفر رسیده بود و دانشجویان شعارهای تند سیاسی بر علیه مسئولین نظام سر می دادند.

دانشجویان از داخل کوی و پشت بام ساختمان خوابگاه های کوی اقدام به پرتاب سنگ و مواد آتش زا به داخل خیابان کردند. گارد ضد شورش در مقابل این حرکت به حالت نشسته درآمد و سپرهای خود را روی سر خود گرفته بود، تا سنگ و مواد آتش زا به آن ها آسیبی نرساند. اما با این وجود چند نفر از مامورین نیروی انتظامی مجروح و با آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند.

تجمع دانشجویان تا دقایقی مانده به نیمه شب ادامه داشت و در چند نوبت پس از تجمع دانشجویان مقابل درب ها، مامورین نیروی انتظامی با حمله به سمت دانشجویان آن ها را از پشت درب های کوی متفرق می کردند. دانشجویان شعار می دادند «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد»، «زنجانی بی عرضه، برو برگرد به حوزه» و....

در حالی که جو رعب و وحشت در میان دانشجویان ساکن کوی از حمله شبانه نیروهای لباس شخصی به کوی حاکم شده، همانند اتفاقی که در ۱۸ تیر سال ۷۸ افتاد، معترضین به تجمع خود خاتمه داده و به اتاق های خود بازگشتند.

حرکت اعتراضی دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران روز جمعه و در پی پایین بودن کیفیت غذا آغاز و این اعتراض به خیابان کشیده شد. همان روز قمصری، معاون دانشجویی دانشگاه تهران، با حضور در میان دانشجویان و انتقاد از کشیده شدن اعتراضات به خیابان قول پیگیری مطالبات صنفی دانشجویان را داد. دانشجویان روز شنبه نیز تجمع مشابهی را در کوی برگزار کردند.

## شعار 'مرگ بر دیکتاتور' دانشجویان شجاع در تهران



در حالی که مسئولین دانشگاه تهران اعلام کرده اند به خواسته های صنفی دانشجویان کوی دانشگاه رسیدگی خواهند کرد، اعتراضات دانشجویان برای سومین شب متوالی در محوطه کوی دانشگاه ادامه یافت.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر ساعت ۷:۳۰ یکشنبه شب، ۷ بهمن ماه، در حدود ۵۰۰ نفر از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران با تجمع در محوطه کوی به اعتراضات خود پیرامون مطالبات صنفی و سیاسی خود ادامه دادند.

دانشجویان ابتدا با خواندن شعار «یار دبستانی» و سر دادن شعارهایی همچون «رئیس بی لیاقت استعفا استعفا»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» و... به راهپیمایی در صحن کوی پرداخته و به تدریج مقابل درب دانشکده فنی کوی جمع شدند.

این در حالی بود که دقایقی پس از آغاز تجمع دانشجویان نیروی انتظامی و گارد ضد شورش به همراه مامورین لباس شخصی در خیابان امیرآباد مستقر شده بودند. تعداد نیروهای پلیس ضد شورش بیش از هفتاد نفر بود که با تعداد زیادی خودرو از جمله دو اتوبوس، چهار مینی بوس و یک خودروی کورکننده آنتن تلفن همراه، در اطراف کوی دانشگاه مستقر شدند.

نیروی انتظامی به طرف دانشجویان تجمع کننده داخل کوی اقدام به سنگ پراکنی کردند که دانشجویان نیز در اقدامی متقابل به طرف مامورین نیروی انتظامی مستقر در خیابان سنگ پرتاب می کردند. نیروهای گارد ویژه همچنین در اقدامی تحریک آمیز در پاسخ به شعارهای دانشجویان بر علیه نیروی انتظامی دانشجویان را «هو» می کردند و نیروهای گارد در خیابان امیرآباد مقابل خوابگاه دانشجویان رژه می رفتند.

پس از آن که جمعیت دانشجویان تجمع کننده مقابل درب فنی به بیش از ۷۰۰ نفر رسیده بود، اقدامات تحریک آمیز

شبهای گذشته عمدتاً خواسته های صنفی داشته اند در تجمع امشب اقدام به سر دادن شعارهای تند سیاسی کرده اند. مهمترین شعار دانشجویان برکناری عمید زنجانی رییس روحانی دانشگاه تهران است.

این در حالی است که نیروهای ضد شورش در برابر درب کوی صف آراییی کردند.

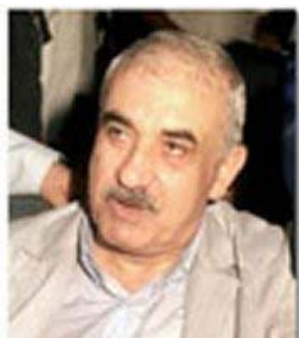
شاهدان عینی گزارش می دهند یگان ویژه ضد شورش برای ترساندن دانشجویان اقدام به رژه در برابر درب فنی کوی در خیابان امیرآباد کرده است که به دنبال این اقدام پلیس، دانشجویان خشمگین با هجوم به سمت درب فنی کوی پس از شکستن این درب قصد ورود به خیابان امیرآباد را داشته اند که پلیس ضمن مقاومت در برابر این تلاش دانشجویان در اقدامی بی سابقه از تیرماه ۷۸ با ورود محدود به محوطه کوی دانشگاه تهران اقدام به ضرب و شتم دانشجویان می کند.

همچنین تعدادی از دانشجویان در جریان این درگیری و تعقیب و گریز از ناحیه سر و دست دچار شکستگی شده اند. در مقابل تعدادی از نیروهای پلیس نیز زخمی شده اند و با آمبولانس از خیابان امیرآباد به بیمارستان انتقال داده شده اند. گفتنی است نیروهای پلیس پس از عقب راندن دانشجویان از محوطه کوی خارج شده اند.

در حال حاضر برق کوی دانشگاه قطع شده و دانشجویان نگهبانی کوی را به آتش کشیده اند.

دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۸۶

### جرج حبش درگذشت



به گزارش خبرگزاری فرانسه، جرج حبش، از رهبران سابق یکی از گروههای رادیکال فلسطینی امروز در امان پایتخت اردن درگذشت. شنبه، ۶ بهمن ماه ۱۳۸۶

جرج حبش تا سال ۲۰۰۰ میلادی بمدت بیش از ۳۰ سال رهبری گروه موسوم به "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" را که در دمشق مستقر بود، بر عهده داشت. جرج حبش طی سالهای اخیر بیمار بود و در کشور زادگاه همسرش، اردن سکونت داشت. مشوق اسلامگرایان و فداییان خلق در ایران.

ما فرزندان کاوه و سیاوشیم، تا سقوط این نظام از پا نمی نشینیم. از وبلاگ کمپین آزادی و برابری (پلی تکنیک) تظاهرات خشمگینانه بیش از ۱۵۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه تهران که از عصر روز یکشنبه آغاز شده بود در زیر حملات مأموران انتظامی و برف سنگین تا ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه ادامه داشت.

در این تظاهرات دانشجویان از جمله شعار می دادند: ما فرزندان کاوه و سیاوشیم، تا سقوط این نظام از پا نمی نشینیم / حکومت زور نمیخوایم، پلیس مزدور نمیخوایم / احمدی پینوشه، ایران شیلی نمیشه / محمود احمدی نژاد، عامل تبعیض و فساد / دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد / دانشگاه پادگان نیست و دانشجوی زندانی آزاد باید گردد.

مأموران گارد ویژه که در طول تظاهرات مرتباً کمک می خواستند و دسته های تازه نفس به صحنه می آوردند، با استفاده از ماشینهای آبپاش و باتون به دانشجویان حمله میکردند. گارد ویژه ضد شورش و نیروی انتظامی از در جنوبی کنار دانشکده فنی وارد کوی دانشگاه می شود و ۲۰ نفر از دانشجویان معترض را دستگیر می کند.

در جریان درگیری دانشجویان با گارد ضد شورش بیش از ۶۰ نفر از دانشجویان زخمی شده اند. اما دانشجویان که در قفل شده دانشگاه را شکسته بودند و با پرتاب سنگ به درگیری با مأموران ادامه دادند، چندبار آنها را به عقب راندند.

دانشجویان در ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه اعلام کردند که تظاهرات را موقتاً پایان می دهند و امروز دوشنبه ۷ بهمن در صورتی که خواست هایشان برآورده نشده باشد، اعتراضات را با شدت بیشتری از سر خواهند گرفت.

### ورود گارد ضد شورش به محوطه کوی دانشگاه

ناآرامی بی سابقه در کوی دانشگاه تهران/ ورود گارد ضد شورش به محوطه کوی دانشگاه و مجروح شدن تعدادی از دانشجویان

ادوارنیوز: کوی دانشگاه تهران برای دومین شب متوالی شاهد اعتراض و تجمع دانشجویان و ورود بی سابقه یگان ضد شورش به محوطه کوی و ضرب و جرح دانشجویان بوده است.

دانشجویان ساکن کوی مطابق قراری که دیشب و به هنگام پایان تجمع گذاشتند از ساعت ۲۰ امشب در محوطه کوی تجمع کرده، سپس به سمت سمت درب فنی کوی دانشگاه تهران حرکت کرده و اقدام به سر داد شعار نمودند. دانشجویان که در

### حمله مسلحانه به سفارت اسرائیل در موریتانی

به گزارش خبرگزاری فرانسه، صبح امروز افراد مسلح به سفارت اسرائیل در موریتانی حمله کردند که تعدادی مجروح بر جای گذاشته است.

به گفته سفیر اسرائیل، هیچیک از اعضای سفارت در این تیراندازی آسیب ندیده اند.

موریتانی یکی از معدود کشورهای عضو اتحادیه عرب است که با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارد.

تلویزیون العربیه در گزارشی گفت در حمله مسلحانه به سفارت اسرائیل در موریتانی شماری زخمی شدند که به یک بیمارستان نظامی انتقال یافته اند. منابع امنیتی گفته اند در این حمله کسی کشته نشده است.

خبرنگار العربیه گفت شمار زیادی از نیروهای امنیتی موریتانیایی در اطراف ساختمان سفارت اسرائیل در نواکشوت مستقر شده اند. وی گفت در شمال نواکشوت صدای تیراندازی شنیده می شود و نیروهای دولتی در حال تعقیب افراد مسلحی هستند که به سفارت اسرائیل حمله کرده اند.

در پی حمله صبح امروز حالت فوق العاده در این شهر اعلام شده و برخی از راه های منتهی به سفارت اسرائیل مسدود شدند. این حمله پس از آن صورت می گیرد که مدتی پیش به جهانگردان فرانسوی در موریتانی تیراندازی شد که چهار کشته بر جای گذاشت. دولت فرانسه، تروریستهای اسلامی را به دست داشتن در حمله به جهانگردان فرانسوی متهم کرد.

آدینه، ۱۲ بهمن ماه ۱۳۸۶

### همایش بین المللی برای بحث در باره ایران

از سایت فارسی وزارت خارجه اسرائیل

همایش بین المللی برای بحث در باره ایران با حضور کارشناسان از دهها کشور جهان در یک روستای کشاورزی در ۳۵ کیلومتری شمال اورشلیم پایتخت اسرائیل، ۵۱ تن از کارشناسان امور ایران و علاقمندان به رویدادهای آن کشور از چهار گوشه جهان گرد آمده اند تا درباره آنچه که در آن سرزمین پنهان می گذرد به بحث و بررسی بپردازند و نتیجه گیری کنند.

این همایش به دعوت یکی بنیاد جهانی برپا شده که شهرت بین المللی دارد و تا کنون همایش های مشابهی درباره بحرانهای بین المللی در چندین کشور جهان برپا ساخته و این بار برای بحث درباره مسئله ای که جمهوری اسلامی ایران نام دارد اسرائیل را برگزیده است.

۱۳ بهمن ماه ۱۳۸۶

### باراک: رژیم تهران در حال شکل دهی کلاهک هسته ای است



اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل در مصاحبه با دو نشریه آمریکایی، برنامه هسته ای جمهوری اسلامی را تسلیحاتی خواند و گفت رژیم تهران در فعالیتهای هسته ای خود پیشرفت کرده و هم اکنون نیز در حال شکل دهی یک کلاهک هسته ای

است. وزیر دفاع اسرائیل در مصاحبه با واشنگتن پست و نیوزویک گفت ما احتمال می دهیم که آنها (رژیم تهران) هم اکنون مشغول فعالیت بر روی کلاهک موشکهای زمین به زمین باشند. وی افزود رژیم تهران شاید علاوه بر تاسیسات غنی سازی اورانیوم در نطنز در جای دیگری نیز مشغول فعالیت محرمانه غنی سازی باشد.

وزیر دفاع اسرائیل در باره گزارش اخیر سازمان اطلاعات ملی آمریکا نیز گفت شاید درست باشد که رژیم تهران از ترس واکنش نظامی آمریکا، سرعت برنامه تسلیحات هسته ای خود را در سال ۲۰۰۳ میلادی کاهش داد، اما ارزیابی ما این است که آنها هم اکنون به سرعت به سمت توانایی هسته ای در حرکتند.

### معاملات مواد خطرناک تسلیحاتی

روزنامه فرانسوی فیگارو نیز در گزارشی نوشت باردیگر مشخص شد که رژیم تهران در معاملات مواد خطرناک تسلیحات هسته ای دست دارد. این روزنامه نوشت ماموران ازبکستان واگن باربری قطار بین المللی آسیای مرکزی که عازم ایران بود را متوقف کردند و در آن مواد رادیو اکتیو سزیوم ۱۳۷ را کشف و ضبط نمودند. این ماده رادیو اکتیو کاربرد دوگانه دارد یعنی هم مصارف پزشکی دارد و هم می توان در ساخت سلاحهای کشتار جمعی از آن بهره برداری نمود.

فیگارو نوشت آژانس بین المللی انرژی اتمی هم اکنون در تماس با دولت قرقیزستان (مبدأ مواد رادیو اکتیو) است و در صدد کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می باشد.

مأمورین مرزی ازبکستان اعلام کردند که تشعشعات ساطع شده از مواد رادیو اکتیو چنان قوی بوده که برای خارج کردن آن از واگن قطار می بایست از متخصصین و تجهیزات ویژه استفاده می کردند.

شنبه، ۶ بهمن ماه ۱۳۸۶

نماینده حماس در تهران گفت: یگانهای عزالدین القسام به زودی عملیات استشهادهی خود را علیه اسرائیل از سر خواهند گرفت. انتشار این سخنان از تهران، وسیله ای نیز برای آگاهی رساندن به عوامل تروریستی حماس و دیگر سازمانها در نقاط مختلف، برای از سرگیری عملیات تروریستی محسوب می شود.

در شهر غزه نیز برخی فعالان حماس تهدید کردند که به زودی "عملیات استشهادهی" از سر گرفته خواهد شد.

آگاهان نظامی در اسرائیل هشدار می دهند که جمهوری اسلامی ایران اخیراً مقادیر بیشتری اسلحه نیمه سنگین وارد نوار غزه کرده است. به گفته این آگاهان، حماس اخیراً به موشکهای نیز از نوع "گراد" مجهز گردیده که نوع بسیار پیشرفته تری در مقایسه با قسام است و در ایران تولید می شود (این موشک در اتحاد شوروی طراحی و تولید گردید). همچنین گفته می شود که به دنبال انهدام جدار مرزی بین غزه و مصر که چند روز ادامه داشت، دهها تن از کارشناسان امور تروریستی فلسطینی که در حکومت ایران آموزش خرابکاری دیده بودند و یا در اردوگاههای حزب الله لبنان تعلیم یافتند وارد نوار غزه شده اند.

گروه حماس روز دوشنبه گذشته، ابتدا مسؤولیت انفجار در شهر دیمونا را به عهده گرفت ولی ساعاتی بعد آن را تکذیب کرد و در روزهای اخیر دوباره آن را پذیرفت. در این انفجار یک بانوی ۷۳ ساله کشته شد و همسرش هنوز با مرگ دست و پنجه نرم می کند. حدود ۲۰ نفر نیز زخمی گردیدند و دو تروریست انتحاری هلاک گردیدند.

در تظاهرات تهران در برابر ساختمان "سفارت فلسطین" (که پیش از به قدرت رسیدن حکومت دینی در ایران، محل نمایندگی سیاسی اسرائیل در ایران بود) فردی به نام مهدی امامعلی به عنوان نماینده "دانشجویان" تظاهر کننده از جمله گفت: امروز امت مسلمان و به ویژه مردم ایران در حمایت از عملیات استشهادهی برای مردم بی دفاع فلسطین، از هیچ کاری دریغ نمی ورزند- و گفت: ما از همین جا، روبروی سفارت فلسطین عزیز، برای حضور در میدان های جهاد و عملیات استشهادهی در فلسطین اعلام آمادگی می کنیم.

پنجشنبه، ۱۸ بهمن ماه ۱۳۸۶

**فرزندان ایران زمین در تکثیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.**

**Organisation PARS  
B.P 6593  
75065 Paris Cedex 2 – France**

**www.sazmanepars.com**

**Email : sazmanepars@aliceadsl.fr  
iran-info@aliceadsl.fr**

## نماینده حماس در تهران : عملیات انتحاری

### علیه اسرائیل را از سر می گیریم



نماینده حماس در تهران: "عملیات استشهادهی علیه شهروندان اسرائیلی را از سر می گیریم. (به گونه دست دادن فراماسونری توجه نمایید) نماینده گروه تروریستی حماس در تهران تهدید کرد که به زودی "عملیات انتقام جویانه نکان دهنده استشهادهی" در اسرائیل توسط "مقاومت اسلامی فلسطین" از سر گرفته خواهد شد.

ابواسامه عبدالمعطی که سخنان او در تارنمای خبری گروه حماس انتشار یافت، در تهران گفت: اسرائیل باید در انتظار عملیات دلاورانه استشهادهی فلسطینی در خاک خود باشد.

در روزهای اخیر حکومت ایران نیز به تبلیغات گسترده ای علیه اسرائیل دست زده و متقابلاً اسرائیل را به ترور و کشتن شهروندان آن تهدید کرده است. در تظاهراتی که روز سه شنبه ۵ فوریه ۲۰۰۸ در برابر "سفارت فلسطین" در تهران برگزار شد، گروهی که خود را دانشجو می نامیدند اعلام داشتند که برای انجام عملیات تروریستی در اسرائیل آمادگی دارند و حاضرند رهسپار این سرزمین گردند.

از آنجا که تهدید گروه حماس به از سرگیری عملیات جنایتکارانه علیه اسرائیل، از تهران اعلام گردیده، آگاهان سیاسی در اسرائیل گفتند باید آن را بسیار جدی گرفت.

عبدالمعطی در سخنان خود گفت: انفجار انتحاری روز دوشنبه (۴ فوریه ۲۰۰۸) در شهر دیمونا در جنوب اسرائیل تنها سرآغاز سلسله عملیات خونینی خواهد بود که سازمانهای ترور فلسطینی به زودی علیه اسرائیل از سر خواهند گرفت. او گفت: مدت یک سال ما تهدئه (آتش بس موقت) را رعایت کردیم، ولی دشمن صهونیستی به کشتن مبارزان شجاع ما ادامه داد و ما خود را دیگر به آن پای بند نمی دانیم.

با آنکه نماینده حماس ادعا کرد که سازمان او مدت یک سال عملیاتی علیه اسرائیل انجام نداده، طی این مدت صدها فروند راکت قسام به سوی اسرائیل شلیک گردیده که ارتش این کشور را ناچار ساخته برای پایان بخشیدن به آن، آمران و عاملان ترور موشکی را در داخل غزه هدف قرار دهد.